



حقوق کیفری و توسعه اقتصادی - صنعتی

محمد آشوری*

اسدالله میرزایی**

چکیده

در این مقاله تلاش شده است تا ارتباط و تعامل میان حقوق بالاخص حقوق کیفری - به عنوان بستری لازم و اساسی برای توسعه - از یک طرف و توسعه صنعتی - اقتصادی از طرف دیگر با دیدی بیشتر تاریخی و عینی مورد بررسی قرار گیرد. دیدگاه اصلی نویسندگان این اندیشه است که مطالعه حقوق کیفری کشورهای پیشرفته صنعتی نشان می دهد که بدون وجود یک بستر قانونی و نظام مدرن کیفری به ویژه در ابتدای امر صنعتی شدن، امکان تحقق اهداف توسعه فراهم نیست. این ارتباط یک طرفه نبوده و صنعتی شدن و توسعه در مراحل تکوینی خود برداشت حقوق از مفاهیمی چون حق، جرم، جرم انگاری، مجازات و شیوه های آن را نیز دگرگون ساخته است. تغییر این نگرش و نیازهای یک جامعه صنعتی و مدرن باعث تغییر در مبانی جرم انگاری و جرم انگاریهای جدید به مناسبت این تحولات صنعتی از یک طرف و جرم زدایی از پاره ای دیگر از رفتارها که در دنیای مدرن نمی تواند جرم باشد گردیده است. در این میان حقوق کیفری برخی کشورها که واجد انگاره های سنتی فراوان هستند حاضر به پذیرش این تحولات و تطبیق قوانین و نگرش خود با این تحولات نبوده به گونه ای که وجود برخی جرایم سنتی و مجازاتهای شدید توسعه نیافتگی این جوامع را به ذهن می رساند.

کلید واژه‌ها

توسعه، قانون، اقتصاد، صنعتی شدن، جرم انگاری، مجازات

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه:

در گذشته های دور به ویژه در یونان باستان کیهان محوری یا خدا محوری بودن حقوق ایجاب می کرد که این حقوق از ریشه ای بجز انسان نشأت بگیرد. این وضعیت تا عصر رنسانس و پیدایش مدرنیته ادامه یافت. مدرنیته و در ادامه آن صنعتی شدن که از ثمرات آن بود باعث تغییر نگرش و نگاه به مقوله حق بود. به دنبال این تغییر نگرش به حق، حقوق کیفری نیز تغییرات اساسی یافت و این شاخه از حقوق راه خود را تا به حد فراوانی از اخلاق و مذهب جدا نمود. انقلاب صنعتی که در اواسط قرن هجدهم در انگلستان به وقوع پیوست به این روند شدت بیشتری بخشید. این انقلاب باعث پیدایش اشکال نوین بزهکاری و نیز تغییر در نوع و شیوه اجرای مجازاتها گردید.

در قرن هجدهم و بر اثر رشد و توسعه انقلاب صنعتی و تشدید فرایند صنعتی شدن و افزایش تولید و اهمیت روزافزون سرمایه، حقوق کیفری که همیشه در طول تاریخ حمایتگر ارزشها و دستاوردهای بشریت بوده این بار به نحو چشمگیری این نقش را ایفاء نمود. شواهد تاریخی در انگلستان زمان انقلاب صنعتی و سایر کشورهایی که زودتر تحت تأثیر این فرایند قرار گرفتند، اهمیت و نقش قوانین به ویژه قوانین کیفری را در رشد و توسعه صنعت به ما نشان می دهد. این ارتباط یک سوپه نبوده و حقوق کیفری هم تحت تأثیر تحولات صنعتی تغییرات فراوان به خود دیده است و حتی برخی از نویسندگان پیدایش و تکامل حقوق کیفری و برخی اشکال کیفرهای مدرن را مدیون انقلاب صنعتی می دانند.

هر چند سالها از انقلاب صنعتی گذشته اما فرایند صنعتی شدن امروزه در قالب تکامل یافته آن مانند انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات فصل دیگری در زندگی انسانها گشوده که اثرات منفی این فناوریها حقوق کیفری را درگیر خود نموده است. با توجه به اینکه رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی بدون کمک و حمایت قانون به عنوان یک بستر ضروری امکانپذیر نبوده است، در این مقاله سعی بر آن است با یک بحث مقدماتی در زمینه تفاوت مفاهیمی چون حق، جرم و مجازات و مقایسه این مفاهیم در دو نوع جامعه سنتی و مدرن (مبحث اول) به بررسی ارتباط و تعامل حقوق کیفری در دو مقوله جرم و مجازات با رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی پردازد.

مبحث اول - جایگاه حقوق کیفری در جوامع سنتی و پیشامدرن

گفتار اول - مفهوم حق در دوران قدیم

در گذشته حقوق به انسان اعطاء شده بود لذا یک تکلیف اولیه با اعطای این حقوق گره خورده و انسان در مقابل اعطا کننده این حقوق از همان ابتدا دارای تکالیف بوده است. به همین دلیل است که پیترو جونز

زایش این نوع فهم از حقوق (یعنی حق و تکلیف) را جدید می‌انگارد و معتقد است: «حقوق آنقدر در جهان ما شایع است که ممکن است فکر کنیم حقوق با سرشت وجود انسان تنیده شده است. اما جهان‌هایی بدون حقوق نیز وجود داشته است. گواه متعارف آن هم این است که نه یونان باستان و نه رومی‌های قدیم تصویری از حقوق نداشتند و از این رو این تصور که افراد استحقاق‌هایی دارند که دیگران مکلف به رعایت آنها می‌باشد در گذشته مطرح نبوده است.»^(۱) بدیهی است که منظور از نبودن حقوق در این جوامع فقدان برداشت امروزی از حقوق است و گرنه به تعبیر این ضرب‌المثل رومی که می‌گوید: «una societas ihis jus» «هرجا جامعه هست حقوق هم وجود دارد»، در آن جوامع نیز باید‌ها و نیابدهایی وجود داشته است. به عبارتی دیگر در اکثر جوامع سنتی تمایل به محدود کردن نقش حقوق غالب است. کما اینکه امروزه هم در برخی جوامع غربی حقوق در برخی زمینه‌ها دخالت نمی‌کند. از طرفی این هم صحیح نیست که حقوق جوامع سنتی را ساکن بدانیم چرا که این حقوق نیز دگرگونی می‌یابد اما نه به همان شیوه حقوق فعلی.^(۲) حقوق سنتی مانند حقوق مدرن میان تکالیف طبیعی، مدنی، کیفری، قراردادی تمایز قائل نمی‌شود. عدم تقسیم‌بندی میان این نوع مسئولیت‌ها به معنی فقدان توانایی این جوامع در این تقسیم‌بندی نیست بلکه این مسئله به خصلت جمع‌گرایی جوامع سنتی باز می‌گردد. در واقع در جوامع مدرن تمایزهای حقوقی موشکافانه تا اندازه زیادی بر ضرورت جدا کردن حوزه‌های عمل فرد و جامعه است که این چنین تمایزی در الگوی جماعت‌گرایی جوامع سنتی وجود ندارد.

گفتار دوم - نظام کیفری در دوره پیش از صنعتی شدن

در گذشته جرم بیشتر از امروز ارتباط تنگاتنگی با اخلاقیات داشت. از حقوق جزا اغلب برای تحصیل معیارهای خاص اخلاقی استفاده می‌شد. در جوامع ابتدائی حقوق جنائی حقوقی دینی است. شنیع‌ترین جرم‌ها آنهایی هستند که دستورات دینی را نقض می‌نمایند. جرائمی که در دوره‌های بعدی تکامل اجتماعی جرائم جدید شناخته شدند (مثل قتل) در جوامع ساده مرتبه پایینی داشتند.^(۳) در دوره امپراطوری روم عهد شکنی و خیانت در امانت از نظر اخلاقی امری بسیار مذموم محسوب می‌شد. در حقیقت قبح اخلاقی آنها شدیدتر از خشونت بود. در واکنش به این اعمال، برخی از قوانین جزایی قدیمی با دزدی که در آن اموال قربانی به طور خیانتکارانه ای ربوده می‌شد، خیلی شدیدتر از سرقت توأم با آزار و اذیت برخورد می‌کردند.^(۴) در حالیکه امروزه خشونت خیلی مذموم‌تر از عهد شکنی است و لذا طبیعی است که قانون جزایی کیفری جرایم خشونت‌آمیز را خیلی شدیدتر از دزدی، اختلاس و خیانت در امانت و جرایم مبتنی بر خشونت مورد مجازات قرار می‌دهد. در ادامه به بررسی ماهیت جرایم و مجازات‌ها در دوران پیش از صنعتی شدن می‌پردازیم.

بند اول - ماهیت جرم

جرم در دوره‌های گذشته ارتباط بسیار نزدیک با دین و گناه داشت. بسیاری از مفاهیمی که از طریق حقوق

کیفری وارد قلمرو جرم انگاری شده بود گناهان بودند. معیاری که در جوامع دموکراتیک و غیر دینی برای جرم دانستن یک رفتار کافی نیست^(۵) شاکله جوامع سنتی بر باورهای ایمانی و اخلاقی استوار می باشد و لذا طبیعی بود که در سیستم های عدالت کیفری آنها نیز فلسفه و هدف جرم انگاری در بیشتر مقولات ناظر بر حمایت از ارزشهای دینی و اخلاقی است. در چنین جوامعی مرز میان جرم و گناه به هم نزدیک است تا آنجا که تخلف از مقررات اجتماعی ساده می توانست جرم تلقی شود.^(۱) در اجتماعات قدیمی موسوم به بدوی یا سنتی واحد اجتماع جمع است نه فرد و دوام و ابدیت این جمع منظور اصلی هریک از افراد آن است. از همین رو در کنار جرایم مذهبی پیش گفته مهم ترین جنایت آنهایی بودند که تعادل «کلان» یا واحد اجتماعی را به هم بزنند. چنین استنباطی از جرم وظیفه مجازات را هم مشخص می کرد یعنی مجازات باید نظم مختل شده را دوباره برقرار سازد و تعادل گسیخته را به حال اول باز گرداند.^(۶) به همین منظور در قبایل بومی هنگامی که مردی کشته می شد قاتل به سادگی جای مقتول را در کلان وی می گیرد و فرایند جایگزینی هم به صورت ازدواج با همسر مقتول یا پذیرفته شدن قاتل به عنوان پسر یا برادر در قبیله مقتول انجام می پذیرفت.^(۷) به همین منظور پذیرش اصل قصاص در این جوامع هم نمودی زننده و خشونت آمیز از اصل استوار مجدد متعادل است. از ویژگی حقوق کیفری این دوران این است که در این اجتماعات حتماً باید مقصری یافت شود و هر رفتاری مجرمانه تلقی می شد. آنچه امروزه تحت عنوان اصل ضرورت جرم انگاری مطرح است در حقوق کیفری گذشته وجود نداشته است. به طوریکه بخش عمده ای از قوانین حمورابی به تعیین مجازات برای بسیاری از اعمالی که در روزگار ما مجاز و یا فقط از ضمانت اجرای حقوقی برخوردارند اختصاص داشت. به عنوان مثال عدم رعایت برخی تشریفات خاص از قبیل عدم تنظیم سند یا اخذ شاهد در حین انجام معامله با توجه به تشریفات بودن معامله در آن زمان سبب اعمال مجازات به طرف معامله که از او به سارق تعبیر شده می گردید.^(۸)

در اروپا قبل از صنعتی شدن و حتی پس اندکی پس از آن داستان به همین نحو بوده است. بزرگترین جرایمی که بالاترین کیفرها را داشته، اهمیت مذهبی داشتند و یا جرایمی بودند که علیه اموال و دارایی فرمانروا یا اشراف صورت می گرفت. بدعت در دین، توهین به مقدسات، سرقت اموال کلیسا یا خسارت زدن به آنها، کفر، سحر و بر خلاف اعتقادات مذهبی سخن گفتن در مدتی مدید در اروپا کیفر مرگ در پی داشت. شکار یا ماهیگیری، بریدن درختان یا بوته ها، چیدن میوه ها در زمین های شاه یا اشراف توسط مردم عادی از گناهان بزرگ به شمار می آمد در حالیکه قتل یک فرد عادی توسط دیگری به اهمیت این جرایم نمی رسید و متهم اغلب می توانست صرفاً به پرداخت مبلغی پول به خویشاوندان مقتول کفاره جنایت را بدهد.^(۹)

^۱ . چنین برداشتی در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری که همه جرایم را واجد جنبه الهی می داند هم دیده می شود. که جای بسی تأمل دارد.

بند دوم - مجازات

وقتی وضعیت جرم در جوامع گذشته به کیفیتی بود که شرح آن رفت سرنوشت مجازات نمی توانست خیلی متفاوت از جرم باشد. در گذشته وضعیت حقوقی و اجتماعی فرد در مجازات تأثیر داشت و با ویژگی علنی کردن و تحقیر کردن شناخته می شد. تابعان حقوق کیفری در جوامع سنتی به نحو برابر و مساوی مشمول مقررات کیفری قرار نمی گرفتند. تبعیض نه تنها در مقدار مجازات که در نوع مجازات هم وجود داشت مانند اینکه: « قبل از انقلاب فرانسه نجبا را گردن می زدند و عوام الناس را به دار می آویختند»^(۱۰) افراد جهت اعمال قوانین کیفری به طبقات مختلف تقسیم می شدند: مانند گروه بندی مردم بابل به «آزاد، آزاد شده و برده» و تقسیم مردم در قانون حمورابی به « طبقه بردگان، عملو و مسکینو». بر اساس قانون اخیر چنانچه بزه دیده از طبقه بردگان و بزهکار از طبقه عملو و مسکینو بود، نسبت به زمانی که بزه کار و بزه دیده یکی از افراد دو طبقه دیگر باشد مجازات کمتری تحمل خواهد کرد.^(۱۱) این تقسیم بندی ها و عدم یکسانی مجازات حکایت از عدم به رسمیت شناختن اصل برابری و مساوات در مجازات است که دستاورد تمدن جدید است و در گذشته وجود نداشته است.

از خصلتهای دیگر مجازات در جوامع سنتی و قدیمی و جوامع توسعه نیافته کنونی که رگه های از گذشته حقوق کیفری را در خود دارند، می توان به شدت مجازات ها اشاره کرد؛ حتی می توان شدت و خشونت در مجازات ها را یکی از علایم توسعه نیافتگی این کشورها دانست. گذشته های دور حقوق کیفری برخی کشورها در زمان فعلی و عصر جهانی حکایت از آن دارد که مجازات اعمال شده درباره برخی از جرایم بسته به نوع مذهب فرد مجرم متفاوت بوده و هست.^۱

شکل اصلی کیفر مجرمان تا قرن نوزدهم در کنده گذاشتن افراد، شلاق زدن، داغ کردن با آهن یا به دار آویختن شقه کردن، چرخ و چوبه دار و دو کرجی^۲ (در ایران باستان) بود.^(۱۲) در طی اجرای

^۱ . ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی: « هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود...» مفهوم مخالف این ماده به این معناست که اگر مقتول مسلمان نباشد قاتل قصاص نمی شود.» وجود این تفاوت در نظام مذهبی تا به حدی است که در عصر جهانی شدن و برابری انسانها شورای نگهبان در پذیرش تساوی مجازات میان مسلمانان و اهل کتاب- آنها هم از نوع دیه که میان حقوقدانان، مجازات بودن آن محل مناقشه است- مقاومت بسیار نشان داد. تا حدی که ماده واحده ای که بر اساس مفاد آن تبصره زیر به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی اضافه شود برای تصویب به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد. این تبصره مقرر می داشت: « بر اساس نظر حکومتی ولی امر دیه اقلیتهای شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می گردد.» این مصوبه در تاریخ ۱۳۸۲/۳/۴ به تصویب مجلس رسید و در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۱۰ نهایتاً به تصویب مجمع تشخیص رسید. البته اضافه شدن این تبصره هم مشکلی از حیث نابرابری در مجازات حل نکرد چرا که اولاً این تبصره فقط دیه را شامل می شود و سایر مجازاتها و بالخصوص قصاص را در بر نمی گیرد. دیه هم که بیشتر ماهیتی مدنی داشته و جنبه جبران خسارتی آن بر مجازات سنگینی می نماید. دوماً این تبصره اختصاص به اقلیتهای شناخته شده در قانون اساسی داشته و سایر پیروان مذاهب و فرقه های دینی کماکان مشمول این تبعیض قانونی هستند.

^۲ . ویل دو رانت به نفل از پلوتارک این مجازات را چنین توصیف می نماید: « سربازی به نام مهرداد در حال مستی گفته بود که کشتن کوروش اصغر در جنگ کوناکسا کار وی بوده و شاه را نرسد به اینکه این کار بزرگ را به خود نسبت دهد. اردشیر

مجازات و به عبارتی اجرای مراسم به نمایش گذاشتن قدرت، بر روی زنده ماندن یا مردن و یا مدت مقاومت محکوم شرط بندی می شد و مراسم اعدام معمولاً برای مردم یک جشن بزرگ محسوب می شد.^(۱۳) در رم باستان اعدام صرف نظر از شیوه اجرای آن خصوصاً زمانی که مرتکب، مرد بود یک مراسم و مناسبت عمومی بود. یکی از مورخان به نام پی - تیر اسپیرنبرگ در آثار خود ذکر می کند که مردم قرن هفدهم از شرکت در مراسم گردن زدن و اعدام مجرمین غفلت نمی کردند. چنین مراسمی در آغاز برای مردم هراس انگیز، تهدید کننده و در عین حال تماشایی بود. حکام و فرمانروایان از طریق عوامل خویش سعی داشتند اعدام ها را ترس آور جلوه دهند و با زرق و برق بسیار به اجرا در آوردند و حکومت خود را بی رقیب، ابدی و غیر قابل مقاومت جلوه دهند؛ حتی دلقک‌هایی را اجیر کردند که قبل از مراسم اعدام مردم را سرگرم نمایند اما به تدریج چنین اعدام‌هایی به صورت واقعه ای خشن و عبرت بر انگیز در آمد. راه حل این بود که این مراسم را برچینند و محل مجازات را به جایی دور از چشم مردم منتقل نمایند و برای طناب دار جانشینی بیافرینند.^(۱۴) فوکو در مقدمه کتاب «مراقبت و تنبیه: تولد زندان» به خوبی در نقل جریان اعدام دامی^۱ به شور و هیجان مردم در هنگام اعدام و مقاومت مجرم به اشاره کرده است.^(۱۵) حتی زمانی که در قرن نوزدهم اعدام از منظر عمومی دور می شد و اجرای آن به پشت دیوارهای زندان رفت تماشاگران برای مشاهده به دار آویختن محکومان مایل ها رانندگی می کردند. هنرمندان، فروشندگان و دستفروشان به آن حال و هوای جشن می بخشیدند. البته در دورانی که وسایل سرگرم کننده اندک بود، برای مردم طبیعی بود تا برای مشاهده صحنه اعدام مسافتهای طولانی طی نمایند.^(۱۶)

در انگلستان چوبه های دار، میدان و سکوی اعدام^۲ در زمره امان عمومی نظیر کلیساها و معابد به شمار

که این را شنید فرمان داد تا آن سرباز را با مجازات «دو کرجی» به این طریق اعدام نمایند؛ دو کرجی چنان انتخاب شود که درست بر یکدیگر منطبق شوند. گناهکار را که مقصود شکنجه کردن اوست، در یکی از دو کرجی می گذارند و کرجی دیگر را چنان بر وی قرار می دهند که جز سر و دستها تمام بدن وی میان آن دو کرجی بماند. آنگاه به وی غذا می دهند و اگر از خوردن امتناع نماید با داخل کردن میخی به چشم وی او را به این کار وا می دارند. چون خوراک خورد، بر سر و صورت وی مخلوطی از شیر و عسل می پاشند و از همین شربت به وی می نوشانند و به این ترتیب، مگسها بر وی هجوم می آورند و او را در میان خود می گیرند. چون خوراک خورده است، ناچار کاری می کند که همه کسان دیگر که می خورند و می آشامند می کنند. از پلیدیهای وی حشرات و کرم هایی تولید می شوند و به اندرون وی راه می یابند و همه تن او را می خورند. چون پس از چند روز دانستند که آن مرد گناهکار مرده است کرجی فوقانی را برداشته و در آن دیگر گوشتی بر تن وی دیده نمی شود. چه حشرات پلید که گویی از اندرون وی برخاسته اند همه جای وی را خورده اند. به این ترتیب بود که مهرداد پس از هفده روز شکنجه دیدن جان داد» دورانت، ویل(۱۳۶۷)؛ «تاریخ تمدن: مشرق زمین: گاهواره تمدن»؛ جلد اول، ترجمه: احمد آرام و دیگران؛ چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۴۱۹

^۱ دامی ین به جرم سوء قصد به جان لویی چهاردهم در دوم مارس ۱۷۵۷ به اعدام محکوم شد.

^۲ سکوی اعدام حول و حوش ۱۶۰۰ میلادی ابداع شد و برای مردم اروپای نوین از همه جالب تر بود. سکویی که دار مجازات بر آن قرار داشت صحنه نمایشی بود که قرار بود یک تراژدی به نمایش در آورد که نامش درام عدالت بود. سکوی اعدام که

رفته و روزهای اعدام و به دار آویختن^۱ محکومان از ایام تفریح و خوشگذرانی مردم و حتی در زمره اعیاد و جشنها محسوب می شد. در شهر لندن در محله «تای برون تری»^۲ اجتماعی زائد بر یکصد هزار نفر برای تماشای اینگونه مراسم جمع می آمدند و از اعیان و اشراف و حتی مهمانان خارجی برای مشاهده اعدام ضمن صرف صبحانه در محل اجرای مجازات دعوت به عمل می آمد. محل دیگری که در لندن به اعدام اختصاص داشت میدان مقابل زندان معروف نیو گیت^۳ بود. جالب اینکه برای اجرای مجازات اعدام از طرف مقامات ترتیبی اتخاذ می شد که در هر مرتبه تعداد بیشتری از محکومین به صورت دسته جمعی اعدام شوند تا شکوه و جلال مراسم بیشتر شود.^(۱۷) در ایران معاصر و ماقبل آن به ویژه زمان قاجار نیز اجرای مجازات در ملاء عام و در میداين شهر مانند میدان پاقیق^۴ تهران قدیم باعث شوق فراوان در میان مردم می شد و مردم برای دیدن صحنه اعدام از خود رغبت فراوان نشان می دادند.^(۱۸)

مبحث دوم- جایگاه حقوق کیفری در جوامع صنعتی و مدرن

شکل زندگی اجتماعی و ویژگیهای آن به ویژه در قرن اخیر بواسطه توسعه ارتباطات، فناوری و اطلاع رسانی و پیشرفت علوم و اختراعات جدید تغییر کرده است. پویایی و تحولات برق آسای صنعتی و

ابزاری برای مقامات جهت تحت نظارت قرار دادن مردم بود اهمیت خود را تا پایان قرن نوزدهم حفظ کرد. این مجازات در دوران مدرن اهمیت خود را به زندان واگذار کرد اما هرگز از میان نرفت. جهت مطالعه بیشتر ر.ک: موريس، نورال و روتمن، دیوید. ج: پیشین، ص ۱۱۴-۱۱۲

^۲. به دار آویختن محکومان به اعدام یکی از خصوصیات و سنن متداول در کشور انگلستان تا قبل از لغو آن در سال ۱۹۶۵ بوده است. تا آنجا که آرتور کواستلر Arture Koestler در یکی از نوشته های خود اشاره کرده و می گوید: «انگلستان سرزمین عجیبی است که عبور و مرور وسایط نقلیه بر خلاف اکثر نقاط دنیا از طرف چپ صورت گرفته و مقیاس اندازه گیری طول در آنجا اینچ و یارد بوده و محکومین به اعدام به دار مجازات آویخته می شوند تا بمیرند.» به نقل از: طلعيه، منوچهر؛ «سیر تحول مجازات اعدام در انگلستان»؛ مجله حقوق مردم؛ زمستان ۱۳۴۸، شماره ۸، ص ۳۶

². Tyburn Tree

³. New Gate

^۵. میدان پاقیق یکی از پنج میدان قدیمی تهران قدیم محسوب می شد که خارج شهر تهران و در جنوب تهران واقع شده بود. وسط این میدان تپه ای خاکی وجود داشت که روی آن ستون آجری گرد کوتاهی به نام قاپوق ساخته بودند و مجرمان را در پای قاپیق با ساطور یا کارد سر می بریدند. به همین دلیل این میدان پاقیق نام گرفت. در دوران مشروطه که بر اثر تحولات صنعتی و افکار مدرن اعدام جای سر بریدن را گرفت به جای تپه خاکی وسط میدان که به مرور زمان تخریب شده بود تخت گاهی دیوار دار ساخته شد و به جای ستون آجری (قاپیق)، تیر چوبی دار و طناب و به جای سر بریدن اعدام مرسوم شد. سپس از این واقعه میدان پاقیق به میدان اعدام تغییر نام داد. به تدریج دار و طناب نیز به واسطه تغییر قوانین به باغشاه منتقل شد و میدان اعدام میدان محمدیه نام گرفت. باغ اخیر نیز که به دستور ناصرالدین شاه برای عیش و نوش ساخته شده بود در دوره حکومت محمد علی شاه به مقتل شهیدان سیاسی آزادی خواه و محل حبس و زندان و اعدام تغییر کاربری داد. ر.ک:

<http://www.chn.ir/news/?section=2&id=6285>

تکنولوژی و نیز فناوری اطلاعات سبب طرح نیازهای جدید، پیچیدگی های نوین و مقتضیات خاص گردیده که آن جوامع را از جوامع سنتی متمایز می نماید. بدیهی است چنین وضعیتی مقتضیات خاص خود را دارد. انتقال و جا به جایی سریع فرهنگها، سرمایه ها و منافع و تعارضات نظم جدیدی را پدید می آورد. از طرفی تئوریهای نوینی که زاینده این وضع جدید است همه زمینه های اجتماعی و انسانی را در سیطره خود دارد. در این میان حقوق به واسطه رسالت عمیق و اولیه خود که ایجاد نظم اجتماعی است نه تنها از آماج این تحولات مصون نمانده بلکه دقیقاً در متن این تحولات قرار دارد. این تحولات قطعاً به مسائل کیفری، میزان جرایم، نوع و ویژگی های آن تأثیر می گذارد و نظام کیفری باید قادر باشد خود را با سرعت این تحولات هماهنگ نموده و کنترل بزهکاری را در دست بگیرد. در این گفتار نگارنده در پی بررسی حقوق کیفری در جوامع مدرن به ویژه تحولات جرم و مجازات است. قبل از این کاوش، مختصری در باب پیدایش مفهوم حق در دوران مدرن و مقایسه آن با مفهوم سنتی حق لازم می نماید.

گفتار اول - مفهوم حق

از قرن ۱۶ میلادی در اروپا تحول عظیمی در جهان بینی متفکرین ایجاد شد. در این زمان دوره ای از حیات آدمی فرا رسید که بشر اگر در صداقت پیام آسمانی تردید نداشت، در تقابل با کمال اجتماعی و اقتصادی شکی به خود راه نمی داد. در نتیجه، کاهش حاکمیت کلیسا، گسترش علم، بروز اکتشافات و اختراعات جدید، رشد فردیت و اتکای انسان به خرد خویش از مشخصه های اصلی این دوران محسوب می شود. اندیشه مدرن خدا را در برابر انسان، روح را در برابر جسم می دید. اصلاح مذهب که در واکنش به اختناق فکری حاکم بر امور مذهبی آغاز گردید در تغییر موازنه موجود میان گروههای اجتماعی تأثیر گذاشت و به رشد طبقه متوسط شهری در مقابل اشراف و زمینداران و روحانیون کمک کرد.^(۱۹)

مفهوم حق از اواخر قرون وسطی در میان فرقه ها و متفکرین دینی به طور غیر مستقیم و نا خود آگاه مطرح شد. به نوعی که حق اگر مهم ترین جزء مقوم اخلاق، حقوق و سیاست در دنیای مدرن نباشد، به تحقیق یکی از مهم ترین اجزاء مقدم عرصه های یاد شده است. تا جائیکه اصطلاحات مربوط به حق آنچنان در گفتمان اخلاقی و سیاسی روزمره آدمها نفوذ کرده که گویی برای انسانها غیر قابل تصور است که گفتمان مزبور بدون این اصطلاحات هرگز بتواند به حیات خود ادامه دهد. در واقع تا اواخر قرون وسطی مفهوم حق نقش مهمی در گفتمان سیاسی و اخلاقی ایفا نمی کرد.^(۲۰) «حق به معنای جدید در برابر تکلیف قرار می گرفت و نه در مقابل باطل؛ به این معنی که حق به معنای حق داشتن بود و نه به معنای بر حق بودن. دو عامل معرفتی هم به پیدایش مفهوم مدرن حق کمک کرد. یکی دیدگاه متافیزیکی نومیئالیزم و دیگری باور ارزشی فرد گرایی. بر پایه دیدگاه نومیئالیزم امور کلی و انتزاعی در بیرون وجود ندارند و در نهایت از وجود امور جزئی و فردی باید دفاع دکرد. فرد گرایی هم اگر چه به عنوان یک مکتب در قرون هفدهم و هجدهم رایج شد ولی عناصر اصلی آن در میان بسیاری از فعالان

انسان گرای اواخر قرون وسطی و رنسانس وجود داشت.»^(۲۱)

تفاوتی که مفهوم حق در دنیای مدرن با قبل آن دارد در این است که در دنیای مدرن «حق داشتن» به جای «حق بودن» قرار گرفت. هیچ امری خارج از انسان غایت و محور هستی نیست. با این دیدگاه اگر به مقوله حق نگریسته شود در واقع انسان از ابتدا دارای یک سری حقوق و آزادیها می باشد. با این نگرش اساساً نظام حقوق بشر متعلق به دوران جدید است و هرگز در دوران پیش از تمدن جدید مطرح نبوده است. به همین دلیل هم به تعبیر برخی نویسندگان مجازاتهای شرعی اسلام که امروزه مخالف این نوع حقوق دانسته می شود، در زمان خود تعرضی با این حقوق نداشته اند. به عبارت دیگر اسلام تاریخی در دوران تجدد است که با نظام جهانی درگیر شده است و الا در دوره های پیشا تجدد قرائت سنتی از اسلام با مشکلی به نام تعارض با اندیشه های حقوق بشر مواجه نبوده است.^(۲۲) امروزه مجازات های مانندی مانند در آتش افکندن، پرتاب مجرم از بالای کوه یا بلندی، با شمشیر کشتن، سنگسار کردن یا کتک زدن در اوقات نماز، زندان با اعمال شاقه، به صلیب کشیدن، قطع دست و پا و انگشتان و شلاق زدن از مصادیق مجازاتهای خشن و خلاف شئون انسانیت است که با حقوق بشر تضاد پیدا نموده اند.^(۲۳) این تلقی سنتی از حق در دوران گذشته اختصاص به مذهب نداشته است. در یونان باستان نیز تلقی امروزین از حق قطعاً وجود نداشته است. در یونان باستان حق در یک فضای اخلاقی در مفهوم نیکو و درست مطرح بوده است.

گفتار دوم - مدرنیته و حقوق کیفری

بی شک یکی از مواردی که بر پیدایش این مفهوم از حق به خصوص مفهوم دینی از آن تأثیر گذار بوده مدرنیته بوده است. در مورد دین و مدرنیته به طور کلی دو رویکرد وجود دارد: رویکرد ایجابی در مورد اثر گذاری مدرنیته بر توسعه سکولاریسم و رویکرد دوم بر همزیستی مدرنیته و دینداری؛ دیدگاه اول بر توسعه سکولاریسم در جهان مدرن تأکید دارد. این مطالعات عمدتاً بر تأثیر تجدد و فرا تجدد بر نگرشها و باورهای فرامادی افراد تأکید می نمایند. نکته اصلی توجه و تمرکز خود را بر این نکته قرار داده اند که ظهور و گسترش جوامع سنتی و پیشرفته صنعتی دلیل اصلی افول هنجارها و اعتقادات و باورهای مذهبی در جوامع به شمار می آیند. افزایش کنترل بشر بر محیط اجتماعی از یک سو به افزایش اهمیت نقش وی در کنترل آنچه پیش از این آن را غیر قابل کنترل می پنداشت منجر شده. از سوی دیگر نقش خداوند به نقش ساعت ساز بزرگی دانسته شده که جهان را ساخته و سپس آن را ترک گفته است.^(۲۴) مدرنیته و پیامدهای آن حقوق را در چهار زمینه اساسی هدف قانون، منبع آن، روش استدلال و مرجع صالح قانونگذاری در نظام حقوقی دگرگون ساخت.^(۲۵) پیش از شکل گیری زندگی مدرن با اینکه سه نظام حقوقی فئودالی، عرفی و دینی در کنار هم وجود داشتند ولی این نظام حقوقی دینی بود که حقوق حاکم و رسمی را تشکیل می داد. بر این پایه بی تردید هدف از وضع قانون همان اهداف دینی بود و منبع آن هم متون مقدس عهد عتیق و جدید بود. روش استنباط نیز محدود به روشهای تفسیر و تأویل

متون مقدس و حداکثر روش مستفاد از فلسفه حاکم کلیسایی بود. مرجع وضع قانون هم نمایندگان خداوند بر روی زمین و متولیان کلیسا بودند. نگاهی اجمالی به حقوق کنونی ایران نشان می دهد این چهار جهت در این نظام حقوقی آشکارا اعلام شده است. به این معنی که هدف از قانون تعیین تکلیف متدینین از تولد تا مرگ و وظایف ایشان در برابر خداوند و یکدیگر عنوان شده است. منبع آن متون مقدس است. روش استنباط روشهای متن محور است و داده های عقلانی تا آنجا به کار گرفته می شوند که به حاکمیت متون لطمه نزنند. مرجع صالح وضع قانون هم خداوند است که علمای دین به منزله جانشینان پیامبر قواعد حقوقی را استنباط و اعلام می نمایند.^(۲۶)

حقوق مدرن تحولی اساسی در این چهار مقوله ایجاد نمود. به این توضیح که در دوران جدید هدف از وضع قانون تنظیم رابطه انسان با انسان در واحدهای سیاسی و جغرافیایی مشخص ملی و حفظ آزادیهای اساسی و برابری است. به علاوه در چنین جامعه ای قانون نمی توانست در نیات اخلاقی ایشان مداخله نماید و یک گرایش ایدئولوژیک را به آنان تحمیل نماید. منابع حقوق مدرن هم متحول شد و به لزوم توجه به ویژگیهای تاریخی، طبیعی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه در نگارش قانون توجه به عمل آمد. روش استدلال و استنباط به تبع تحول در هدف و منبع در دوران مدرن متحول شد و این دگرگونی ها به بروز تحول در مرجع قانونگذاری هم تسری یافت. بر این پایه پذیرفته نبود که یک فرد و یا گروهی (بر اساس نظام ارزشی خود) برای دیگران قانون وضع نمایند.^(۲۷) تحولات مفهوم حق بی تردید اثرات خود را بر نظام کیفری به بار گذاشته است. این تحولات باعث تضییق و توسعه قلمرو حقوق کیفری از جهات مختلف شده است. دامنه این تحولات در ابتدا به حدی است که به مرور زمان یک رفتار خلاف نرم چنان در دید اجتماع نرمال می شود که قاعده حقوقی در عمل اعتبار خود را از دست داده و به ادبیات حقوقی می پیوندد.^(۲۸)

گفتار سوم - مفهوم جرم در دوران مدرن

جرم یک پدیده اجتماعی است و مانند سایر پدیده های اجتماعی دستخوش تحولات می شود. چنین وضعیتی در جوامع ساده و ابتدایی حاکم نبوده است. جرم در آن جوامع عمدتاً بر اساس آموزه ها و گذاره های دینی یا منبعث از اندیشه های سلاطین و فرمانروایان بوده و تا زمانی که سلطان زنده بود و بر فرمان خود اصرار داشت امکان تغییر مفهوم و مصداق جرم وجود نداشت آموزه های دینی هم به این آسانی از ذهن مردمان بیرون نمی آمد. در جوامع مدرن به خصوص جوامعی که نظام حقوق عرفی بر آنها حاکم است به دلیل متحول شدن شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جرم به ویژه در مصادیق آن به آسانی با این تحولات تغییر پیدا می نماید. جوامع مدرن را اگر به دو نوع جوامع مذهبی و سکولار تقسیم کنیم، جرم در جوامع مذهبی شباهت زیادی با جرایم در اجتماعات قدیمی دارد. جرم دانستن برخی گناهان، توهین به مقدسات و مقام سلطنت، جادوگری، کفر و ارتداد با اختلافاتی اندک از جرایم مشترک این جوامع است. حال آنکه این امور در جوامعی با ویژگی سکولار جرم زدایی شده اند.

تأثیر اندیشه‌های دورکیم در جرم‌زدایی از این اوامر و نواهی دینی به خوبی دیده می‌شود. دورکیم جرم را عملی می‌داند که احساسات جمعی را جریحه دار می‌نماید و طبیعی است که با این دیدگاه بسیاری از گناهان مذهبی امروزه دیگر احساسات جمعی را به آن صورت جریحه دار نمی‌نماید. او می‌گوید در جوامع مدرن زندگی، تخصصی و مشاغل متنوع شده‌اند و این موضوع تنوع موقعیتها را به وجود آورده است. تنوع موقعیتها به تنوع ارزشها منجر می‌شود. یک انسان در جامعه مدرن خودش را همزمان در وجدانهای فردی یا صنفی یا گروهی شریک می‌بیند و لذا منافع خودش را از یک سو در وجدان گروهی و از سوی دیگر در وجدان جمعی می‌بیند و هر گاه تعارضی میان وجدان جمعی و گروهی خودش به وجود آید تبعیت از وجدان گروهی می‌نماید. وی در تقسیم کار اجتماعی در مقایسه میان وجدان جمعی در جوامع سنتی و مدرن نشان داد که وجدان جمعی جوامع از حالتی خشن، تنبیهی و عمدتاً فراگیر به حالتی منعطف و فردی حرکت کرده است. در جوامع ابتدایی ابتدایی وجدان جمعی خشن، شدید، انعطاف ناپذیر و فراگیر و قوانین مربوط به این سطح از وجدان معمولاً خصلتی سرکوبگر دارند و قانون شکنان به شدت مجازات می‌شوند اما در جوامع مدرن وجدان جمعی نرم تر، متعادل تر در اعمال کیفر و به لحاظ فراگیری محدود تر از جوامع قبلی هستند. برای نمونه مجرمین یقه سفید در سطح عمومی جوامع مدرن آنقدر که در خور جرم آنها باشد منفور نیستند. در این جوامع قوانین دستوری و سرکوبگرانه به قوانین جبران کننده نظیر پرداخت جریمه تغییر می‌کند.^(۳۹)

از دیگر ویژگی‌های متمایز حقوق کیفری مدرن، تفکیک اخلاق از حقوق کیفری به ویژه در خصوص جرم انگاری است. در جوامع مدرن اخلاق از حقوق جزا به دلایل ذیل تا حدی جدا شده است.^(۴۰)

۱- در جوامع مدرن و نامتجانس از نظر قوم شناسی که ویژگی بارز آنها کثرت دینی و فرهنگی است ضوابط و معیارهای اخلاقی مختلفی وجود دارند و هیچ گروهی بر اساس اصول آزادی و دموکراسی حق تحمیل عقاید دینی یا معیارهای اخلاقی خود را بر گروههای دیگر با استفاده از قانون جزا ندارد.

۲- در جامعه آزاد و دموکراتیک دولت نمی‌تواند در زندگی خصوصی اعضای بزرگسال جامعه و رفتار آنان مادامی که رفتار صدمه ای ایجاد نمی‌کند و یا حقوق دیگران را نقض نمی‌کند دخالت نماید. به تعبیر زیبایی استوارت میل «فضولی موقوف» به درستی همان جوابی است که باید به هر حکومت یا جامعه ای که رسوم و تفریحات مردم را موقوف به تصویب یا پسند خود می‌شمارد داده شود.^(۴۱)

۳- تحت نظم و کنترل درآوردن اخلاقیات از طریق قانون جزا منجر به بسیاری از تناقضات و تضادها در قانون می‌شود. برای مثال بر اساس قانون کانادا دو شخص با لحنی که راضی باشند می‌توانند تقریباً در هر شکلی از فعالیت جنسی خلوت نمایند آیا تدوین تدوین معیارهایی برای آنچه که آنان می‌توانند برای خواندن یا تماشا کردن در خلوت خانه هاشان بخرند برای قانون تناقض است؟

۴- تمامی ارزشهای اخلاقی نیازمند حمایت از طریق قانون جزا نبوده و یا نمی‌تواند باشد.

۵- اخلاقیات دستخوش تحولات اجتماعی سریعی قرار می‌گیرند.

با وجود همه این تفاوتها و هر چند تفاوت ساختاری بین حقوق قدیم و جدید قابل انکار نیست، اما اندیشه حقوق مدرن در جوامع سنتی نیز یافت می شود و اندیشه حقوق سنتی در جوامع مدرن هم وجود دارد. به عبارتی میان اندیشه های حقوقی بدوی و مدرن همزیستی وجود خواهد داشت. زیرا اندیشه بدوی فقط اندیشه بدویان نیست، چنانکه اندیشه مدرن فقط اندیشه متمدنها نیست. در واقع انواع اندیشه ها ویژگی هایی نیستند که مربوط به دسته ای از افراد یا جوامع خاصی باشند. تفاوت واقعی فقط در این است که برخی از جوامع (غربی) تشخیص داده اند که در دوره ای مشخص از اعتقادات و ایده های دیگر بیشتر به « خرد» ارزش نهند و آن را نهادینه نمایند.^(۳۲)

مبحث سوم - قانونگذاری کیفری و توسعه

قبل از انقلاب صنعتی به ویژه در انگلستان که این انقلاب در آنجا صورت گرفت، آنچه امروز تحت عنوان جرم شناخته می شود اغلب موضوعاتی مدنی تلقی می شدند. تجاوز به حقوق مالکانه افراد دیگر به طور معمول به صورت فردی و خصوصی پیگیری می شد و تعقیب با مالک بود و دادگاه هم نهایتاً فرد خاطی را به جبران خسارت مالک و هزینه های دادگاه محکوم می کرد. این سیستم شبه جرم بعدها در اثر رشد و توسعه انقلاب صنعتی در طبقه بندی جرائم علیه شاه قرار گرفت که با شلاق، جریمه نقدی، حبس یا تبعید و حتی مرگ همراه بود.^(۳۳) به همین جهت شواهد تاریخی در کشور انگلستان به عنوان مهد انقلاب صنعتی اهمیت و نقش قانون را به عنوان بستری برای توسعه و شگل گیری نهادها و تأسیسات حقوقی تحت تأثیر صنعتی شدن نشان می دهد. این مبحث از مقاله به دنبالی پاسخ به این پرسشها است که آیا نظام کیفری می تواند پشتوانه نظام اقتصادی باشد؟ شواهد تاریخی در این زمینه چه می گویند؟ چه ارتباطی میان ساختار اقتصادی یک جامعه و جرائم موجود از حیث جرم انگاری برخی رفتارها ی اقتصادی وجود دارد؟ آیا میان توسعه اقتصادی و صنعتی یک کشور و نظام جرم و مجازاتها در آن کشور رابطه معنا داری دیده می شود؟

ارزیابی اقتصادی حقوق یا به عبارت دیگر حقوق و اقتصاد زیر بخشی از اقتصاد کاربردی است که مسأله اصلی اش مطالعه بهینه نهادهای اجتماعی و حقوق برای تنظیم روابط اجتماعی است. به لحاظ تاریخی بننام^۱ بنیانگذار کاربرد اقتصادی حقوق در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی بود. ولی این حوزه به طور جدی از دهه

۱. بخش عمده ای از حقوق جزای معاصر تحت تأثیر سوداگری وی قرار گرفته است. بننام نخستین بار مفهوم فایده سنجی را مطرح نمود. فایده سنجی یعنی افراد فعالیتها را با توجه به لده ها و سختی های همراه با آن انتخاب می کنند. کلیه این لذتها و سختی ها جهت دهنده فعالیت های گروهی در اقتصاد است. وی برای اداره زندانها، مدارس، دادگاهها و بیمارستانها نظریاتی ارائه داد. بننام معتقد بود که مجرم یک انسان اقتصادی است و در زمان ارتکاب جرم تمام محاسبات لازم را به مانند یک انسان اقتصادی انجام داده و در صورتیکه ارتکاب جرم به نفع وی باشد مرتکب آن می شود. وی اصول سودگرایی را نسبت به حقوق جزا به ویژه نسبت به اداره زندانها اعمال می کند. وی می نویسد: « هر فردی بی آنکه خود بداند بر پایه حساب خوب و بدی که از مجازاتها و لذتها می کند، زندگی خود را انتظام می بخشد و اداره می کند. وقتی قضاوت کند که مجازات نتیجه

۱۹۶۰ میلادی رفته رفته شکل گرفت. با مرور ادبیات این حوزه در عمل مفهوم حقوق و اقتصاد در دو مبنای ذیل به کار رفته است:

- ۱- مطالعه تاثیر حقوق بر فعالیتهای اقتصادی و تأثیر وضعیت اقتصادی بر قوانین حقوقی کشور.
- ۲- استفاده از رویکردها و ابزارهای علم اقتصاد برای ارزیابی تاثیرات قوانین^(۳۴)

تا مدتها مفاهیم بنیادی حقوق خصوصی مانند مالکیت و قرارداد ابزار حقوقی تحقق نظام اقتصادی محسوب می شد و توجه حقوق به اقتصاد تحت عنوان خاصی مانند «حقوق اقتصادی» تجلی پیدا نکرده بود. به دلیل سازگاری اصولی کلی فردگرایی و آزادی خواهی با اصول و مبانی اقتصاد، حقوق اقتصادی و حقوق عام با هم گسترش پیدا کردند. از اوایل قرن بیستم به دلیل افزایش قواعد حقوقی قابل اعمال در اقتصاد و پیدایش اقتصاد ارشادی توجه حقوق به اقتصاد فزونی یافت و عنوان «حقوق اقتصادی» شکل گرفت.^(۳۵) در گذشته های دور عقیده بر این بود که اقتصاد صرفاً مسائل و رفتارهای مالی و رفتار بازاری انسانها را شکل می دهد. از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی عده ای بر این عقیده آمدند تا اساس اقتصاد را که منطق انتخاب کردن است به تمام رفتارهای سازمانی و انسانی تسری دهند که در نتیجه آن رفتارها و فعالیتهای غیر بازاری انسان مانند جرم هم در قلمرو اندیشه های اقتصادی قرار گرفت و از اوایل دهه ۱۹۶۰ تجزیه و تحلیل اقتصادی حقوق به حوزه مباحث سستی حقوق مانند حقوق اموال، قرارداد، حقوق جزا کشیده شد و باعث ایجاد نگرش اقتصادی به حقوق گردید. به نحوی که آقای بروس آمرمن استاد حقوق دانشکده ییل نگرش اقتصادی به حقوق را مهم ترین تحول دانش حقوقی در قرن بیستم تلقی کرده است.^(۳۶)

در نگرش اقتصادی به حقوق نظریه عدالت نیز با مفاهیم مرسوم آن فرق می کند و عملی عادلانه محسوب می شود که بهره وری اقتصادی داشته باشد و در آمد و ثروت را افزایش دهد. این نوع نگرش به حقوق منجر به پیامدگرایی می شود. این اندیشه یعنی اندیشه اقتصادی به حقوق به طور عام و جرم به طور خاص در جرم انگاری یک رفتار بی تاثیر نیست. به این دلیل که نظریه اقتصادی جرم می بایست به دو سؤال پاسخ دهد: چه اعمالی می بایست جرم شناخته شوند و به چه میزان مجازات؟ اولین سؤال به

عملی است که مطلوب اوست، این ایده فشاری بر او وارد می کند که از انجام آن عمل روگردان شود. ارزش کل مجازات به نظرش بیش از ارزش کل لذت می رسد، در نتیجه قوه دافعه او را غلبه خواهد شد و عمل اتفاق نخواهد افتاد... باید مجازات بدی از نفع تجاوز کند... فرض کنید نفع جنایت برابر با ده استرلینگ باشد، فرض کنید بخت مجازات معادل یک یا دو باشدف برای آنکه مجازات معادل نفع جنایت شود باید ارزش آن به نسبت لیره استرلینگ برسد.» از آثار وی می توان به «گفتاری در باب دولت»، «مقدمه ای بر اصول اخلاق و قانونگذاری» و در زمینه اقتصاد کتاب «دفاع از رباخواری» اشاره نمود. بنگرید به : مالوری، فیلیپ؛ (۱۳۸۳) «اندیشه های حقوقی» ترجمه: مرتضی کلانتریان؛ چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.

دنبال تمیز دادن معیار جرم است.^(۳۷) مطابق این اندیشه عملی باید جرم محسوب شود که جرم دانستن آن از نظر اقتصادی کارا بوده و رفاه اجتماعی را افزایش دهد. حقوق اقتصادی وقتی موفق نمی شود تابعان خود را ملزم به اجرای قواعد کند از حقوق کیفری استفاده می کند. حقوق کیفری و حضور آن در حقوق اقتصادی دست کم سه هدف را دنبال می کند:

۱- رسالت سرکوبگری؛ حقوق کیفری با کیفر دادن تخلفات اقتصادی در واقع تابعان حقوق اقتصادی را تهدید به تنبیه و مجازات می کند.

۲- رسالت توصیفی یا همان ارائه ارزشها و مصالح؛ هر جرم اقتصادی یک مصلحت اقتصادی را به دنبال دارد. حقوق کیفری با کیفر دادن تخلفات در مقام اعمال اهمیت و معرفی ارزشهای اقتصادی است.

۳- رسالت حمایتی؛ حقوق جزا با تهدید متخلفان اقتصادی در مقام حمایت کیفری از نظام اقتصادی است. ملاحظاتی اقتصادی در حوزه عدالت کیفری امروزه بخشی از سیاست گذاری در این رشته است. سهم بزرگی از بودجه دولتها مصروف اعمال ضمانت اجراهای کیفری به ویژه زندان می شود. در ایالات متحده آمریکا در آغاز سال ۲۰۰۰ هزینه نگهداری زندانیان به چهل میلیارد دلار رسید. در حالیکه این رقم در سال ۱۹۹۰ یازده میلیارد بود.^(۳۸) در همه این کشورها این هزینه ها از طریق بودجه عمومی از مردم تأمین می شود. همین امر باعث شده است که سیاستگذاران این حوزه به دنبال کاستن از هزینه های کیفری باشند. نمونه این سیاستها استفاده از خدمات عمومی است که نه تنها سبب کاهش هزینه ها شده است بلکه سود اقتصادی هم برای جامعه دارد. به عنوان نمونه در انگلستان تا سال ۲۰۰۶ حدود پنج میلیون ساعت کار و خدمات در قالب مجازات انجام شده است.^(۳۹) یا در سال ۱۹۹۴ حدود ۴۰۰۰ هزار مجرم در ایالات متحده آمریکا زنجیرهایی به پا داشتند که به پلیس برای پیدا کردن آنها کمک می کرد. هزینه روزانه این نوآوری روزانه ده دلار بود که تنها بخش کوچکی از هزینه زندان است.^(۴۰) از نظر تاریخی نیز توسعه و گسترش فعالیتهای اقتصادی در قرن نوزدهم موجب تحولاتی در مفاهیم مسئولیت کیفری و ارائه نظریات جدیدی از سوی حقوقدانان گردید. در مسیر تحولات اقتصادی قرن بیستم و نیز پس از ظهور دیدگاههای مکتب تحقیقی، تحولات زیادی در مفهوم مسئولیت کیفری پدید آمد که بی ارتباط با تحولات صنعتی و اقتصادی نبود. این تحولات باعث پیدایش سه نظریه: مسئولیت کیفری مطلق، مسئولیت ناشی از فعل دیگری و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مباحث کیفری گردید.^(۴۱)

گفتار اول - حکومت قانون، توسعه اقتصادی و نظام کیفری

رشد و توسعه اقتصادی به نظم و قانون بستگی دارد؛^(۴۲) زیرا حقوق علاوه بر تنظیم روابط اجتماعی اهرم توسعه اقتصادی نیز هست. یعنی وسیله ایست که بر روابط تولیدی اثر می گذارد و نظامی می آفریند که اقتصاد و آثار ناشی از آن را به دنبال دارد. به عبارت دیگر چنانچه نظام سرمایه داری را نظامی موفق از نظر توسعه اقتصادی و صنعتی بدانیم، حکومت قانون شرط مقدم رقابت در این نظام است. پشتیبانی و پاسداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از عناصر بنیادی توسعه پایدار و متوازن در یک جامعه است. یک

نظام حقوقی و قضایی خوب هم هدف و هم ابزار تسهیل کننده دستیابی دیگر هدفهای توسعه است. برقراری حکومت قانون امروزه در ادبیات وسیعی مرتبط با توسعه اقتصادی دانسته می شود و ظهور جهان مدرن از جمله اقتصاد سرمایه داری وسیعاً متکی به موجودیت از پیش حکومت قانون است.^(۴۳)

بنا به گزارش بانک جهانی: «حکومت قانون برای توسعه و پایداری و فقرزدایی شرط اساسی است. سیستمهای ضعیف حقوقی و قضائی از چند نظر ناکام در برنامه های فقرزدایی هستند: آنها سرمایه را به سوی بازارهای دیگر می رانند که بر اصول حقوقی و قضایی قابل پیش بینی استوار نیست. بخشهای بزرگی از جامعه را از به کار انداختن دارائیهای مولد محروم می سازند و اعتراض شهروندان را در فرایند تصمیم گیری خاموش می کنند... اجرای ناکارآمد قانون به نابودی محیط زیست، فساد، پولشویی و دیگر مشکلاتی می انجامد که بر مردمان و اقتصاد در سراسر جهان سنگینی می کند و به آنها آسیب می رساند.»^(۴۴) به همین دلیل فوکویاما نیز یکی از بزرگترین کمبودها در کشورهای در حال توسعه را ضعف نسبی حکومت قانون می داند.^(۴۵) وی با تمایز قائل شدن میان دو مفهوم قانون^۱ و قانونگذاری^۲ - که برای درک معنای حکومت قانون آن را لازم می داند - در تحلیل خود در باب حکومت قانون، رشد قدرت و مشروعیت دولتهای اروپایی را در عمل تنیده با ظهور حکومت قانون می داند. وی معتقد است که دولتهای اروپایی مجری عدالت اما نه لزوماً قانون بوده اند. قانون ریشه در جاهای دیگر مثلاً در مذهب یا آداب و رسوم داشته است. اختیار و مشروعیت این دول بیشتر متکی به قابلیتشان در اعمال بیطرفانه قوانینی بوده که لزوماً ساخته دست خودشان نبود.^(۴۶)

رابطه میان یک نظام حقوقی و توسعه اقتصادی و صنعتی یک رابطه یک طرفه نیست و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. این تلازم و همکاری میان تکامل تدریجی صنعتی شدن و توسعه تکنولوژی باعث شد تا به قول گالبرایت^(۴۷) اقتصاددان کانادایی تضادهای صنعتی دارای قانونمندی و سیاست های خاص اجتماعی شود.^(۴۸) به عبارت دیگر می توان گفت که صنعت و اقتصاد صنعتی علاوه بر تغییرات اجتماعی و اقتصادی که به همراه داشته است منجر به ایجاد یک نظام حقوقی و قانون مداری متفاوت و نوین گردیده است. در نظام سرمایه داری وجود قانون شرط مقدم رقابت می باشد. این رقابت مستلزم عموم و شمول قوانین است. در کنار این موارد باید عنوان نمود که آزادی بازار کار و آزادی گزینش در سرمایه گذاری و آزادی در بستن قرارداد و از همه مهم تر پیش بینی پذیر بودن تصمیمات و آرای قضات اساسی ترین ویژگی نظام های رقابتگر سرمایه داری است.^(۴۹) به همین جهت است که نخستین تکلیف دولت در این نظام ها ایجاد و نگهداری یک نظم حقوقی است که اجرای قراردادها را تضمین و دخالت دولت در استفاده فردی از آزادی و اموال خصوصی را محدود نماید و یا حتی الامکان امکان پیش بینی میزان دخالت دولت در این موارد مشخص و معین شود.

1. Law

2. Legislation

اگر از حیث تاریخی به جامعه انگلستان زمان انقلاب صنعتی نگریسته شود، می توان به نقش و اهمیت قانون و نظام حقوقی به عنوان بستر لازم جهت توسعه و نیز شکل گیری نهادها و تأسیسات قانونی تحت تأثیر تحولات صنعتی پی برد. پیش از این هم گفته شد که دو تأسیس مهم حقوق کیفری و پلیس عمومی در بطن انقلاب صنعتی به وجود و توسعه یافتند. به تعبیر برخی تاریخ اجتماعی جرم انگاری و تکدی هم نشان می دهد که قوانین علیه ولگردها و متکدیان در اروپای قرن ۱۶ به منظور حمایت از منافع سرمایه داران بود که از کمبود نیروی کار ناشی از مرگ سیاه^۱ و میر فراوان و انواع بیماریهای واگیر رنج می بردند تصویب شد.^(۵۰)

قبل از آنکه اصول و عقاید کلاسیک بصورت قوانین غیر قابل تغییر مطلق اقتصادی در آید و جنبه کلی پیدا نماید در انگلستان قرنهای محاکم مخصوص بر حسب مقرراتی که دولتهای محلی و ملی سوداگر برای کار وضع کرده بودند دستمزد کارگران و حداقل آنها را تعیین می کردند لیکن با توسعه صنعتی در کشور و احتیاج به کارگر کم مزد همه این مقررات یکباره از بین رفت و شیوه تعیین دستمزد به وسیله محاکم در سال ۱۷۶۲ رسماً ملغی شد و از آن به بعد دیگر انگیزه های اقتصادی بازار سرنوشت مزد کارگران را به دست گرفت. مدتها قبل در انگلستان دولت الیزابت چون سختگیریهای شهرداری را در امر کارخانه و داد و ستد مانع رشد و پیشرفت تجاری و صنعت می دانست مقررات ملی را به جای مقررات ناحیه ای معمول نمود. برطبق قانون شاگردی سال ۱۵۶۳ مجموعه قوانین پیچیده ای جهت نظارت دولت بر اقتصاد و کار تدوین شد که تا ۱۸۱۵ در انگلستان پا برجا بود. با وقوع انقلاب صنعتی و رشد آن، قوانین سخت گیرانه^۲ البته این بار به نفع حفظ و نگهداری دستاوردهای انقلاب صنعتی ایجاد شد. مهاجرت پیشه وران و

۱. در سال ۱۳۴۸ میلادی یک کشتی تجاری که حاوی تعدادی موش بیمار بود در انگلستان پهلو گرفت و طاعون مرگ باری را از آسیای مرکزی وارد انگلستان نمود. این طاعون که به مرگ سیاه معروف بود ۲۵ تا ۵۰ درصد از جمعیت انگلستان را به کام مرگ کشید و عملاً باعث کاهش نیروی کار گردید. متعاقب آن احساس تعهد رعایا نسبت به اربابان از بین رفت و شروع به ترک زمینها نمودند و به سوی شهرها هجوم آوردند. این امر باعث افزایش نرخ بیکاری در شهرها گردید. با کاهش نیروی کار و افزایش دستمزدها کارگران در پی به دست آوردن حقوق و مزایایی شدند که سابقاً در انحصار طبقه بالای جامعه بود. چون محدودیت و فشار طبقه فئودال از بین رفته بود دولت مجبور به مداخله جهت حفظ نظم شد و با وضع قانون و کنترل دولت بر نیروی کار، موقعیت کارگران در برابر اربابان و صاحب کاران استحکام یافت. این طاعون بحرانهای زیادی برای کلیسای مسیحیت آن زمان به وجود آورد. کلیسا که پاسخی برای این طاعون نداشت به خرافات روی آورد و شروع به دار زدن یهودیان، جادوگران و بیگانگان که آنها را مقصر این بلایا می دانست نمود.

۲. این قوانین که به منظور جلوگیری از تبلی و بیکاری بود تاکید می کردند که: « هر جوان قوی بنیه باید ۷ سال شاگردی نماید زیرا تا انسان بیست و سه سالگی نرسیده باشد غالباً و نه همیشه خام است و نیروی واحدی ندارد و فاقد تجربه است. حتی این قوانین مقرر میداشتند که هر جوانی که به سن سی سالگی برسد و به میل خود بیکار باشد و سالانه ۴۰ شیلینگ عایدی نداشته باشد طبق دستور اولیاء امور مجبور بود که به کار بپردازد و کار فرمائی که بدون دلیل کارگران را جواب می کردند ۴۰ شیلینگ جریمه می شدند. کارگرانی که بی جهت کار را ترک می کردند به زندان می افتادند و هرگونه اعتصابی

صنعتگران به خارج از کشور ممنوع شد و یک رشته قوانین و مقررات با هدف جلوگیری از پخش دانش فنی انگلیسی و افتادن آن به دست رقبا در اروپای قاره ای و امریکا وضع گردید.^(۵۱) پس از ۱۸۱۵ ترس از رقابت خارجی در انگلستان کاهش یافت چرا که نه تنها کمبود کارگر ماهر مطرح نبود بلکه مازاد این نیرو هم احساس می شد و قانونگذاران هم نگران خطر این جمعیت اضافی کارگران بودند و لذا قوانین ممنوعیت مهاجرت کارگران و حتی صادرات ماشین آلات لغو شد. قانون ضد اتحادیه و تجمع ۱۸۰۰ در تاریخ اتحادیه های کارگری بریتانیا جایگاه مهم و غیر قابل توجهی در این زمینه دارد. در این سالها نخست وزیر انگلستان به منظور جلوگیری از تبلیغ و ترویج سیاسی در میان کارگران صنعتی یک رشته قوانین سرکوبگرانه را از تصویب پارلمان گذارند. به موجب این قوانین هرگونه تجمع و اتحادیه کارگری برای زیر فشار گذاشتن کارفرما و کوتاه کردن ساعتهای کار یا افزایش دستمزد ممنوع اعلام شد و متخلفان مجرم اعلام شدند و این قوانین تا ۱۸۲۴ باقی ماند.^(۵۲)

نظامهای قانونی و کیفری که در دوره انقلاب صنعتی توسعه یافت در شکل گیری تحولات بعدی نظام حقوقی در سراسر آمریکا نیز تاثیر بسزایی داشته است. ویلیام نلسون تحولات آیین دادرسی و قوانین جنایی از ۱۷۶۰ تا ۱۸۳۰ را در ماساچوست آمریکا مورد مطالعه قرارداد. وی با مطالعه صورتجلسه های دادگاه ها نشان داد که تغییرات واقعاً مهمی رخ داده است. پیش از انقلاب ۱۷۷۶ هیئت های منصفه می توانستند قوانین را تغییر نمایند و تصمیماتی اتخاذ نمایند. قوانین مالکیت آن زمان چندان سفته بازی مالی و کسب ثروت را ترویج نمی کردند اما بعد از انقلاب هنگامی که توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفت قوانین تغییر یافتند تا حمایت از مالک خصوصی را افزایش دهند. تحصیل تجاوز کارانه زمین و دارایی قانونی شد درحالیکه جرایم علیه مالکیت از جمله دله دزدی تابع مجازات های عمومی شد.^(۵۳)

گفتار دوم - نظام کیفری و توسعه اقتصادی - صنعتی

توسعه هر چند به عنوان یک عنصر علم اقتصاد نگریسته می شود، اما پیامدهای حقوقی هم دارد و حتی برخی معتقدند که ایدئولوژی توسعه در زمینه های حقوقی هم وجود دارد^(۵۴) و با این دیدگاه به تدوین قوانین به عنوان توسعه حقوقی نگاه می شود. رنه داوید در این زمینه معتقد است که: « قانون مدنی اتیوپی باید به عنوان یک ابزار سیاسی در نظر گرفته شود که هدفش این باشد که توسعه کشور را در برخی راه ها هدایت کند.»^(۵۵) حتی امروزه حق بر خوردهای از توسعه به دفعات در نسل سوم حقوق بشر به ویژه در اعلامیه وین^۱ مورد تاکید قرار گرفته است. توسعه با حقوق کیفری بیگانه نیست. در قرن نوزدهم و بیستم جریان شهرنشینی که با صنعتی شدن همراه بود بر میزان جرایم در

ممنوع بود و اعتصاب کنندگان زندانی یا جریمه میشدند. رک: دورانت، ویل (۱۳۶۸) «تاریخ تمدن: آغاز عصر خرد»؛ ج ۴؛ ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۵۴-۵۵

^۱ . دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در جریان تحولات بین المللی و پس از جنگ سرد در ژوئن ۱۹۹۳ در وین با حضور ۱۷۱ کشور برگزار گردید. در این اعلامیه به خصوص در بندهای ۱۰، ۵ و ۱۱ بر اهمیت حق برخورداری از توسعه تاکید شده

نواحی شهری و روستایی تأثیر مستقیم و سریع داشت. این تأثیر هم در کشورهای سوسیالیست و هم در کشورهای سرمایه داری دیده شده است. شلی که مطالعه مفصلی درباره رابطه جرم و مدرنیزاسیون داشته است نتیجه می گیرد که توسعه اقتصادی در افزایش جرایم زنان تأثیر می گذارد. قبل از انقلاب صنعتی در اروپا زنان در حوزه های محدود مرتکب قانون شکنی می شدند اما در جوامع نوین با دسترسی بیشتر به موقعیتهای مجرمانه سهم زیادی از کل جرائم را به خود اختصاص می دهند. در کشورهای در حال توسعه زنان به ندرت بیش از ۱۰ درصد کل جرایم را مرتکب می شوند؛ در حالیکه در کشورهای توسعه یافته گاه زنان گاه در بیش از یک ششم میزان کل جرایم سهم دارند.^(۵۶)

در تحقیقی که در رابطه توسعه و جرایم زنان در ایران انجام شده یافته های پژوهش نشان می دهد: « در طول دوره ۲۰ ساله مورد بررسی (۱۳۸۰ - ۱۳۶۰) شاخصهای کل توسعه دارای یک رابطه قوی معکوس با نسبت جرم زنان بوده است. در نتیجه همزمان با افزایش سطح توسعه و مشارکت اجتماعی زنان در کل کشور نسبت زندانیان زن نه تنها افزایش نیافته بلکه کاهش هم داشته است. در نتیجه نتایج این پژوهش فرضیه مربوط به رابطه مثبت توسعه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت زنان با افزایش جرم آنان را رد می نماید.»^(۵۷) این یافته ها که توسط آمار زندانیان زن به دست آمده با آن دسته از نظریات که در جرم شناسی و جامعه شناسی انحرافات در مورد رابطه مثبت توسعه اقتصادی و افزایش نسبت جرم زنان وجود دارد مغایرت دارد. نظریات مورد اشاره معتقدند که فرایند توسعه و مدرنیزاسیون با ایجاد تغییرات در نقش زنان به جنس برابرایی و آزادی بخشی آنان دامن می زند در نتیجه این عمل حضور زنان در عرصه های مختلف فعالیت های اقتصادی - اجتماعی بیشتر می شود. این پدیده باعث می شود تا با کاهش تفاوت جنسیتی در زمینه ارتکاب جرم، نسبت جرم زنان در کل جرایم افزایش یابد.^(۵۸) در حالیکه این تحقیق با آنکه افزایش مشارکت زنان در نیروی کار و پیشرفت در جهت برابری جنسیتی، فرصت ارتکاب جرم و قانون شکنی را در زنان بیشتر می نماید، بر اساس آمارهای رسمی کشور فرایندهای توسعه و مشارکت تأثیری در نسبت جرم زنان نداشته و تفاوت جنسیتی در جرم را کاهش نداده است.

محققان پژوهش اخیر در توجیه این عدم تأثیر توسعه اقتصادی بر جرم زنان معتقدند که: « هنوز فرایندهای توسعه یافتگی آن قدر تأثیرگذار نبوده است که نظام کنترل اجتماعی زنان از طریق خانواده و جامعه تغییر جدی ایجاد نماید. افزون بر اینکه می توان نتیجه گرفت که رابطه توسعه اقتصادی - اجتماعی یک رابطه قطعی نیست و زمینه های فرهنگی و تاریخی جوامع بر این رابطه تأثیر می گذارند.»^(۵۹) آیا به راستی می توان با نتایج پژوهش اخیر نظریات معتبر جرم شناسی و تجربه کشورهای صنعتی را نادیده گرفت؟ بدون تردید پاسخ خیر است. این تحقیق صرفاً بر اساس آمار زندانیان زن صورت گرفته که خالی از اشکال نیست. چرا که دادگاه ها معمولاً با احترام و شاید دلسوزی، کمتر زنان را به حبس محکوم می نمایند و این

است. ر.ک: حسین پور، جعفر؛ (۱۳۸۴) «حق بر خورداری از توسعه در جامعه اطلاعاتی»؛ فصلنامه اطلاعات سیاسی

امر باعث کاهش آمار زنان زندانی نسبت به مردان می شود. بنابر این تنها بر اساس آمار زنان محکوم شده به زندان نمی توان چنین نتیجه گیری قاطعی نمود. از طرفی این پژوهش فرض را بر صنعتی شدن ایران گرفته حال آنکه با توجه به شاخصهای موجود ایران تا صنعتی شدن فاصله زیادی دارد و معلوم است که با چنین اوضاعی نمی توان جرم زنان را در این کشور با جرایم زنان در کشورهای فوق صنعتی مقایسه نمود و به راحتی نظریات جرم شناسی که مبتنی بر واقعیت آن جوامع است را رد نمود.

تحقیقاتی که با استفاده از نظریه های کلان جامعه شناسی مجازات انجام شده و مجازات مرگ را در ۱۸۵ کشور قرن ۲۱ مورد بررسی قرار داده اند نشان می دهند که: «هم نظریه های معاصر و هم بررسی های تجربی حاکی از آنند که به کارگیری مجازات اعدام در یک کشور به شرایط اقتصادی و اجتماعی در آن جامعه ربط دارد. بین حفظ و ابقاء مجازات اعدام برای جرایم معمولی در یک کشور و سطح توسعه اقتصادی، جهت گیریهای مذهبی، ثبات سیاسی، حق رأی شهروندان در حکومت به هم پیوستگی معناداری وجود دارد.»^(۶۰) لذا بی معنا نخواهد بود اگر موج فزاینده اعدام در قوانین ایران و اجرای آنها را با نسبت عقب ماندگی و توسعه نیابندگی جستجو نمود. یافته های همین تحقیق به ما نشان می دهد که کشورهای با تمرکز سیاسی بالا احتمال بیشتری در حفظ و ابقاء مجازات اعدام دارند. همچنین خاور میانه (بجز اسرائیل که مجازات مرگ را مگر در شرایط جنگ لغو کرده است) بالاترین کشورهایی را در خود دارد که مجازات مرگ را برای جرایم معمولی حفظ کرده است. در این منطقه ایران، عربستان و عراق رتبه های اول در این مجازات را دارند. کشورهای منطقه کارائیب دومین منطقه دنیاست که مجازات مرگ در آن زیاد است.^(۶۱) همچنین کشورهایی که دارای رشد اقتصادی بالایی هستند تمایل بیشتری به الغاء مجازات اعدام دارند. به گونه ای که می توان گفت به کار بردن کیفر اعدام در یک کشور به شرایط اقتصادی - اجتماعی آن جامعه ارتباط دارد.^(۶۲)

همان گونه که آمد در ابتدای پیدایش انقلاب صنعتی میان حقوق و توسعه صنعتی ارتباط تنگاتنگی بود و حقوق به ویژه حقوق کیفری ایزاری برای تحکیم پایه های انقلاب صنعتی شد و نهادهایی مانند پلیس عمومی و حقوق کیفری در جریان انقلاب صنعتی تکامل تدریجی دست یافتند.^(۶۳) در فرایند توسعه بعضی اوقات چاره ای جز توسل به حقوق کیفری برای رسیدن به هدف نیست. در قرن اخیر دولتهای درحال توسعه، جهت کنترل جمعیت - که در بحث توسعه خیلی حائز اهمیت است - اقدام به تحمیل مجازات های مالی برای داشتن فرزند در صورت تجاوز از حد معینی نمودند.^۱ البته نایستی فراموش کرد که

۱. به عنوان نمونه: «درهند در یک موسسه چایکاری این سیاست تجربه شده است که به حساب پس انداز زن در خلال دوره غیر بارداری سپرده های مالی گذاشته می شود. این سپرده ها برحسب تعداد بچه اندوخته می شود و چنانچه زنی تعداد زیادی بچه به دنیا بیاورد، کل سپرده ضبط می شود. یا در تایوان تجربه ای در یکی از شهرک های روستایی بدست آمده است. در این شهرک دولت محلی وجوهی را در حساب بانکی زوجهای جوان می گذارد تا هزینه آموزش دو فرزند اول را تامین نماید. با وجود این با تولد بچه سوم قسمتی از این پول و با تولد بچه چهارم تمام پول ضبط می شود. به نقل از: تودارو، مایکل؛)

همیشه تدوین مقررات و قوانین الزاماً به معنی توسعه نیست و بعضاً مشاهده شده که قوانین چنانچه خوب و به روز و متناسب با موقعیت سیاسی، اجتماعی، درجه تمدن، فرهنگ و مناسبات اجتماعی یک جامعه تدوین نشود، خود مانعی در راه توسعه خواهد بود. نمونه ای از این ادعا را شاید بتوان در سخت گیری شورای نگهبان در مقوله سرمایه گذاری خارجی در ایران^۱، اصرار بیش از حد مقنن ایرانی در جرم دانستن ربا در میان اشخاص و قوانین و مقررات سخت در زمینه پوشش و رفت و آمد به ویژه در صنعت گردشگری ذکر کرد که عملاً مانع توسعه هستند.

تأثیر سرمایه داری در نظام حقوقی صرفاً در وضع قانون و جرم انگاری نیست. سرمایه داری امروزی هم در مرحله قانونگذاری یعنی وضع مقررات مداخله می کند و هم در مرحله سوم سیکل جنایی یعنی مرحله ابزار واکنش علیه موارد نقص ارزشها. به عبارت دیگر در جامعه سرمایه داری امروزی که مدیران جای مالکان را گرفته، این مدیران هستند که امر قانونگذاری و ابزار واکنش و مجازات را شکل می دهند و تحت تاثیر قرار می دهند. زیرا منافع آنان در خطراست تا منافع سرمایه داران و چون خواهان حفظ موقعیت هستند در این مداخله می کنند و این ملاحظات به منظور کاهش واکنش افراد زیردست یعنی کاهش ارتکاب جرم و افزایش افراد مطیع است.^(۶۴)

عده کثیری از محققان معتقدند که بین شرایط مادی و مسائل مختلف اقتصادی جامعه و به وجود آمدن کیفرهای گوناگون رابطه مستقیم برقرار است. گی روشه علت مشخص کننده واکنش سرکوب کننده را که توسط اجتماع صورت می گیرد را وجود بازار می داند. زیرا به نظر او اگر کار وجود نداشته باشد، دستمزد ناچیز باعث ناراحتی و افسردگی می شود و واکنش کیفری اثر تنبیهی خود را از دست می دهد. مضافاً اینکه روشهایی که مبین پدیده کیفر هستند بر حسب اوضاع بازار دگرگون می شود و تغییر پیدا می کنند. مثلاً زمانی که به افرادی نیاز حاصل شد که بر روی کشتی ها و قایقها پارو زنی نمایند کیفرهای شدید بدنی و مجازات اعدام از بین رفت. زمانی که حکومت احساس کرد که کارگر کمیاب است اردوگاههای کار اجباری تأسیس شد. زمانی که تقاضای کار زیاد شد تبعید که در ابتدا وسیله تأمین کارگر در مستعمرات آمریکا بود پایان پذیرفت و زندانهای مجرد از بین رفت. زیرا این روش مانع استفاده از زندانیان می گردید. جریمه نقدی هم به همین منوال به دلیل درآمدزایی آن در همه جا عمومیت پیدا کرد.^(۶۵) کار تنبیهی^۲ طاقت فرسا و منظم عنصر مهمی از مجازات حبس را تحت شرایط سیستم های

۱۳۸۳) « توسعه اقتصادی در جهان سوم »؛ ترجمه: غلامعلی فرجادی؛ چاپ دوازدهم، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی توسعه، ص ۲۳۲-۲۳۰

۱. در گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۷، دلایل اصلی بدتر شدن محیط کسب و کار در ایران، افزایش موانع شروع کسب و کار، سخت تر شدن فرایند ثبت مالکیت، بدتر شدن سیستم مالیات گیری و سخت تر شدن مراحل پایان دادن به یک کسب کار عنوان شده اند. به نقل از: شریف آزاده، محمدرضا و شیرینی، بهزاد؛ « اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر اشتغال کشور با توجه به ساختار اقتصاد ایران »؛ نامه مفید، شماره ۶۹، ص ۱۳۶

۲. Penal Labour

کیفری سرمایه داری صنعتی را تشکیل می داد. داریو ملوسی^۱ معتقد است زندان آن طور که در اروپا بود را شاید بتوان یک نهاد کمکی^۲ برای کارخانه در نظر گرفت. اگر گفته وی درست باشد واضح است که یکی از مهم ترین هدفهای زندان های اولیه الغاء اصول اخلاقی کار سنگین منظم به زندانیان بود.^(۶۶) از سوی دیگر بسیاری از کیفرهای نوین به هدف کمک به چرخ توسعه صنعتی به وجود آمد و در ایجاد و تاسیس بسیاری از پایه های تمدن جدید از نیروی کار محکومان استفاده فراوان به عمل آمد. پروژه بزرگی چون کانال سفید (بین اقیانوس منجمد شمالی و دریای بالتیک) با استفاده از نیروی کار محکومان به اعمال شاقه عملی شد^(۶۷) بین سالهای ۱۷۷۶ و ۱۸۱۷ نزدیک به ۳۰ هزار محکوم بریتانیایی که به مستعمرات آمریکایی تبعید شدند برای کاشتن درخت و کشیدن راه آهن در مریلند و ویرجینیا به کار گرفته شدند.^(۶۸) حتی برخی اساس تاسیس مرکز بازپروری «المیرا» در سال ۱۸۷۶ در آمریکا را به دلیل اهمیت آن در کار صنعتی می دانند.^(۶۹) گارلند در این زمینه می نویسد: «در طی دوره هایی که عرضه نیروی کار در فراوانی و وفور است، سیاست کیفری می تواند نسبت به زندگی انسان بی ملاحظه باشد. همان طور که در اواخر قرون وسطی چنین بود؛ زمانی که مجازاتهای بدنی و اعدام گسترش داشتند. با این حال در جایی که تقاضا برای نیروی کار مورد تهدید است - همان طور که در برخی از قسمتهای اروپایی در دوره مرکانتیلیسم چنین بود- دولت و قوانین کیفری اش کمتر آماده هستند که منابع با ارزش را کنار بگذارند و علاقه مند هستند که این نیروی با ارزش را به کار بگیرند. این ارزش نسبی نیروی کار به عقیده راشر و کرچهایمر عام تعیین کننده مهم چندین نهاد کیفری محسوب می شوند که به ضرورتهای اقتصادی پاسخ داده اند...»^(۷۰)

به عقیده گارلند این نگرانیهای اقتصادی و نه نگرانی های بشر دوستانه بود که به ظهور مجازات های جدید در این دوران منتهی شد.^(۷۱) راشر و کرچهایمر به سه شکل جدید مجازات معرفی شده در اوائل این عصر مدرن اشاره دارند که عبارتند از^(۷۲) : پارو زنی در کشتی^۳، تبعید^۴ و اشکال مختلف حبس با اعمال شاقه.^۵ پارو زنی در کشتی ابتدا در فرانسه و اسپانیا از اواخر قرن پانزدهم تا قرن هجدهم به عنوان مجازاتی برای مجرمین مهم و ولگردان و گدایان به کار برده می شد. بنا به ادعای روشه و کرچهایمر حاکمان کشورهای دریانورد چون در استخدام مردان آزاد برای کار مشکل داشتند و مجرمین مجبور به انجام این کار به حکم دادگاه بودند این روش را ابداع نمودند. به همین دلیل معتقد بودند که ملاحظات اقتصادی عمدتاً تأثیر گذار در انتخاب شیوه های کیفری بودند. به عبارت دیگر معرفی و تنظیم این کیفر صرفاً جهت به دست آوردن نیروی کار لازم و ارزان و حتی رایگان بوده است.^(۷۳)

1. Dario Melossii

2. Ancillary Institution

3. Galley Slavery

4. Transportation

6. Penal Servitude

ایجاد و گسترش مجازات تبعید به عنوان یک مجازات کیفری هم از یک الگوی مشابه تبعیت می کرد و با ملاحظات اقتصادی توجیه می شد: «طبق نظر همین نویسندگان در کتاب مجازات و ساختار اجتماعی از قرن شانزدهم میلادی تا اواسط قرن نوزدهم دسترسی به منطقه های بزرگی از زمینهای دست نخورده در مستعمرات همراه با نیاز شدید به محصولات کشاورزی کمبود نیروی کار را به وجود آورد و تبعید محکومین به مستعمرات یک پاسخ آشکار به آن محسوب می شد. تبعید برای دولتها هزینه کمی در بر داشت. چون پیمانکاران کسانی را می یافتند که می توانستند از فروش محکومین به مستعمرات سود ببرند و این انتقاد که صادرات نیروی کار باعث کاهش ثروت کشور می گردد با اختصاص دادن این مجازات برای محکومان پاسخ داده شد.»^(۷۴) طرفداران مجازات تبعید در آن زمان تبعید را فرصتی برای اصلاح مجرمین از طریق کار و سکونت در شرایط سخت مستعمرات می دانستند. راشه و کرچه پامیر به چنین انگیزه بشر دوستانهای مشکوک هستند و اشاره دارند که قدرت بدنی و نه قابلیت اصلاح پذیری مجرمین تنها ملاحظات اتخاذ این مجازات بود. حتی اشاره می نمایند که مخالفت مستعمره نشینهای آمریکایی با این مجازات از سر دلسوزی یا احساسات انسان دوستانه نبوده بلکه گسترش تجارت بردگان سیاه پوست از آفریقا که نیروی کار ارزانتری را در اختیار آنها قرار می داد باعث مخالفت آشکار با این مجازات شد. البته در نهایت انقلاب آمریکا و جنگ استقلال در دهه ۱۷۷۰ به این مجازات پایان داد و برخی هم نسخ این مجازات را به عوامل سیاسی تا اقتصادی نسبت می دهند.^(۷۵)

در انگلستان آن دوران نیز تشکیل پلیس شهر لندن به دلیل تمرکز بیشتر نظام کارخانه و مشکلات عدیده ناشی از صنعتی شدن بود. چرا که در اواخر دهه ۱۷۰۰ آشکار شده بود که ایجاد نظم به روش سنتی^۱ در لندن همچون پاسبان و شبگرد با تحولات اجتماعی و اقتصادی همگام نبود.^(۷۶) با تمرکز بیشتر بر اقتصاد کارخانه ای که ماشین را به انسان ترجیح می داد بیکاری افزایش یافته بود و زمانی که لندن با مشکلات عدیده ناشی از انقلاب صنعتی مواجه بود، فشار بر پلیس حرفه ای برای مقابله با آشوب و تنشهای اجتماعی نیز افزایش می یافت.^(۷۷) البته پلیس عمومی تنها در طی انقلاب صنعتی تکامل نیافت

۱. یکی از روشهای سنتی پلیس در انگلستان روش پاسداری و مراقبت (the Watch and Ward System) بود که اولین بار در شهر وینچستر (شهری در هام شایر انگلستان که زمانی پایتخت و زمانی مقر حکومت انگلوساکسونها بود) در سال ۱۲۸۵ به وجود آمد. این سیستم متشکل از ۱۶ مرد بود که در طول شب در شهر مشغول گشت زنی بودند و اوضاع شهر را در کنترل داشتند. این مردان وظیفه داشتند غریبه ها را دستگیر نمایند اگر به آنها مظنون می شدند و صبح تحویل پلیس محلی نمایند. این سیستم تا اواخر قرن ۱۸ در انگلستان پابرجا بود. وظیفه این پلیس عمدتاً پیشگیری از سرقت اموال صاحبان مشاغل بود. قبل از انقلاب صنعتی چون تولیدات با دست تهیه می شد، آنها می توانستند به راحتی اموال موجود نزد غریبه ها را که دزدیده شده بود شناسایی نمایند اما با انقلاب صنعتی و تولید انبوه و یکنواخت کالاها این پلیس از پس شناسایی این اموال دیگر بر نمی آمد و نیاز به پلیس عمومی بود. جهت مطالعه بیشتر و نیز آگاهی از روند تشکیل پلیس عمومی در این کشور در اوان انقلاب صنعتی ر.ک:

بلکه لازمه وجود و ثبات نظام کیفری هم بود چرا که ثروت به نیروی کارگر بستگی داشت اما حفظ انگیزش برای نیروی کارگر مستلزم این بود که طبقه کارگر ضعیف بماند و این امر مشکلی دائمی برای نظم سرمایه داری به وجود می آورد لذا وظیفه پلیس بود که این طبقه را از تبدیل شدن به بزهدار و خطر برای طبقه سرمایه داری باز دارد.^(۷۸)

جالب همین جاست که باز هم همین پیشرفتهای تکنولوژیکی بشر در ساخت و طراحی کشتی های دریانوردی در اوائل قرن هجدهم بود که این مجازات را متروک نمود و جای آن را به کار اجباری داد. به نوبه خود جهانی شدن اقتصاد دنیا، برابری فرصتهای شغلی، بازار آزاد، کاهش خدمات عمومی و ورود به پست مدرنیسم و انقلابی که در ساختاربندهی صنعتی ایجاد کرد، همگی منجر به کاهش تقاضا برای خدماتی شده اند که توسط کارگران غیر ماهر ارائه می شود. بنابراین در حالیکه از نظر بنام زندانیان می توانند در زندان کار کنند و وظایفی را که در گذشته بر عهده بردگان و کارگران اجیر شده بود، این ایده در زمانی که کارخانه مدرن به سطوح بالاتری از مهارت و انعطاف پذیری نسبت به کاری که زندانیان می توانستند ارائه دهند نیاز پیدا کرد بی فایده شناخته شد. در حال حاضر، زندان غربی که در یک نظم پست مدرنیست قرار داشته و به کار یدی نیاز چندانی ندارد می تواند کارگران یا کسانی را که در ساختار اقتصادی پست مدرنیست تقاضایی برای استفاده از مهارت های آنها وجود ندارد فقط در شرایط حبس نگه دارد.^(۷۹)

همین رویه در مورد سایر کیفرها هم دیده می شود. با آغاز قرن بیستم مجازاتهای اروپایی و تا حدی هم کیفرهای مجازاتها در کشور آمریکا تأثیر مستقیمشان بر اینکه همانند یک واحد اقتصادی عمل نمایند به علت پیشرفتهای تکنولوژی و رقابتهای بازار آزاد از دست دادند.^(۸۰) با به وجود آمدن گشتی باربانی پاروونی در کشتی که برای نخستین بار در قرن ۱۶ به عنوان مجازات ولگردان و بیکاره ها به اجرا در آمده بود اهمیت خود را از دست داد و مجرمین آن برای آموزش مشاغل نظامی به سربازخانه ها اعزام شدند. در سال ۱۷۴۸ این کیفر به صورت کلی لغو گردید.^(۸۱) به همین خاطر می توان نوشت که تولد و مرگ کیفرها همیشه تحت تأثیر اندیشه های فلسفی، دینی و دیگر تحولات روحی انسانی نبوده بلکه تکنولوژی ساخته دست بشر باعث ایجاد کیفرهای جدید و پس از مدتی با ورود تکنولوژی بهتر و پیشرفته تر باعث مرگ آنها شده است. به طور کلی ایحاد و منسوخ شدن برخی کیفرها متأثر از ملاحظات اقتصادی و توسعه تکنولوژی می باشد.

به هر حال هرچند در نوشته های حقوقی ریشه حقوق کیفری نظام یافته امروزی را در تحولات فکری و فلسفی قرن هجدهم می دانند، نقش انقلاب صنعتی و صنعتی شدن در رشد و توسعه حقوق کیفری را نباید نادیده گرفت. به همین دلیل در بررسی تحولات سیاست جنایی، علاوه بر جرم شناسی و تأثیر آموزه های علمی، نباید سهم و نقش نظام اقتصادی جوامع مختلف را نادیده انگاشت و تعامل میان سیاست جنایی و نظام اقتصادی را فراموش کرد.^(۸۲) به طوری که نخستین طبقه بندی سیاست جنایی امروزه بر

مبنای معیار اقتصادی است. براین اساس سیاست جنایی کشورها را در سه دسته الف) سیاست جنایی در کشورهای فوق صنعتی ب) سیاست جنایی در کشورهای سوسیالیستی و ج) سیاست جنایی در کشورهای در حال توسعه تقسیم می کنند: در جوامع نوع اول که نوع جرائم بیشتر خشونت آمیز است، مسأله پیشگیری از جرم در سه دهه های اخیر در قلمرو سیاست جنایی پذیرفته شده و دیگر مقابله جرم در چهار چوب سیاست کیفری قرار ندارد. در سیاست جنایی دسته دوم (سوسیالیستی) جرائم علیه اموال دولتی و مرتبط با اقتصاد دولتی مطرح است. مسأله جرم در این کشورها یک موضوع سیاسی تلقی می شود. ویژگی بارز کشورهای نوع سوم در این است که از ماهیت نیمه صنعتی - نیمه سنتی برخوردارند. شکل جرایم به لحاظ رشد شهرنشینی و شهر سازی و صنعت معمولاً از محدوده جرایم سنتی تجاوز نمی کند. در سیاست جنایی این کشورها می توان همزمان عدالت عمومی یا دادگستری عمومی را در کنار عدالت طایفه ای و یا دادگستری خصوصی مشاهده کرد. به دلیل این خصوصیات سیاست جنایی در این جوامع از انسجام اصولی برخوردار نیست و بسیاری از جرایم در مقوله سیاست جنایی واقع نمی شود. در این نوع جوامع دو نوع سیاست جنایی یافت می شود. سیاست جنایی دولتی - رسمی و سیاست جنایی مردمی - سنتی.^(۸۳)

از نظر تاریخی تکامل حقوق کیفری پیامد پیدایش استانداردیزه کردن کالاها بود چرا که با حرکت به سمت توسعه و رشد کارخانه میزان ضایعات و قراضه های صنعتی محصولات افزایش یافت و برای کارفرمایان حائز اهمیت شد و باعث جرم انگاری برخی اعمال که تا آن زمان حداکثر تخلف مدنی را شامل می گردید شد. به عنوان نمونه در قرن ۱۸ میلادی عمل خوشه چینی^۱ به معنی جمع کردن باقی مانده محصول درو شده، جمع کردن قراضه های صنعتی از یک رفتار قانون به یک جرم تبدیل شد. به این توضیح که قبل از قرن ۱۸ و انقلاب صنعتی موسوم بود که کارگران مواد و تکه های بلا استفاده (قراضه) از محصول تولید شده را برای خود بر می داشتند و پس از جمع آوری می فروختند و کارفرمایان هم مشکلی با کارگران از این حیث نداشتند و تنها در زمانی که کارگری بیش از حد متعارف اقدام به جمع آوری این اضافه ها یا براده ها می کرد نوعی احساس خیانت در امانت در مالک ایجاد شد و می توانست از طریق دعوی معنوی جبران خسارت بخواهد.

در قرن هجدهم بر اثر رشد و توسعه انقلاب صنعتی و افزایش میزان این قراضه ها و اهمیت صنعتی آن، این رویه قانونی به سمت و سوی مفهوم دله دزدی^۲، دست برد زدن^۳ توسعه پیدا نمود.^(۸۴) قانون سال ۱۷۲۳ انگلستان به دادگاههای مجستریت اجازه داد که کارگر مزدور را جهت برداشتن تکه چرم (در شغل کفاشی) تحت تعقیب قرار دهند. همچنین قانون سرقت ۱۷۴۹^۴ روزه برداشتن تکه های اضافی پوست

1. Gleaning

2. Pleifering

3. Embezzling

4. Bagging Act of 1749

سگ آبی که در ساختن کلاه استفاده می شد را با مجازات زندان همراه نماید. در کنار اینها هشت مورد دیگر دستبرد زدن در ارتباط با صنعت نساجی با ضمانت اجرا کیفری همراه شد در حالیکه تصاحب این قراضه ها قبلاً یک عمل ساده و مباح و نهایتاً یک تخلف مدنی در ارتباط با مقوله امانت بود.^(۸۵) ملاحظه می شود که با توسعه منابع و رشد کارخانه ها این تکه قراضه ها اهمیت پیدا نموده و حقوق کیفری را در حمایت از سرمایه داری به تلاش و عکس العمل وارد نمود. قبل از ۱۶۹۲ تصاحب مسروقه جرم نبود. در طول قرن هجدهم جرمه تصاحب کالای مسروقه افزایش یافت و در سال ۱۸۲۷ این جرم تبدیل به یک جرم از درجه جنایت شد. این سیاست تشدید به علت افزایش سرقت های مرتبط با محصولات صنعتی بود. سرقت این محصولات نظیر ذغال سنگ، آهن، ابزار آلات ۲۸٪ از موارد سرقت را به خود اختصاص داده بود.^(۸۶) مرکز بازروری المیرا در ایالت ماساچوست آمریکای زمان استعمار بر اساس پیروی از نظام استاندارد ساخته شد. در این زندان بزهکارانی که فاقد پیشینه بودند از ۱۶ تا ۳۰ سال ننگه داری می شدند. اساس تأسیس آن نیز به دلیل اهمیت به کار صنعتی بود.^(۸۷)

نتیجه گیری

نگاه به جرم و مجازات در حقوق کیفری سنتی به دلیل حاکمیت نگاه اخلاقی و مذهبی با مبانی امروزی آن فاصله بسیار دارد. این تمایز به خوبی با مطالعه قوانین کیفری گذشته و برخی نظامهای کیفری معاصر در جوامع سنتی و در حال توسعه مشهود است. امروزه اصل فرعی بودن و ضروری بودن مداخله حقوق کیفری و تساوی مجازاتها و سایر اصول مهم حقوق کیفری در نظامهای سنتی وجود نداشتند. هرچند که مدتها قبل مدرنیته حقوق را در زمینه های مختلفی مانند هدف، منبع قانون و روش استدلال تغییر داده بود و زمینه های ایجاد حقوقی متفاوت را نوید داده بود اما انقلاب صنعتی آن را تکمیل نمود. این انقلاب علاوه بر ایجاد تغییرات اجتماعی فراوان و تأثیر گذار منجر به ایجاد یک نظام حقوقی و قانون مداری متفاوت از گذشته و نوینی گردید. با وقوع و گسترش این انقلاب چالشها و مشکلات زیادی هم برای جوامع به وجود آمد که بدون استفاده از ابزار کیفری امکان استقرار این نظم نوپای صنعتی فراهم نبود. این انقلاب باعث پیدایش اشکال نوینی از بزهکاری گردید که تا پیش از آن وجود نداشتند و محصول همین انقلاب بودند. قوانین سختگیرانه انگلستان آن زمان در خصوص ممنوعیت صدور ابزار و تکنیکهای صنعتی و ممنوعیت مهاجرت صنعتگران و صاحبان حرف و وضع کیفرهای شدید برای این ممنوعیتها امکان پا گرفتن جامعه صنعتی را تسهیل نمود. به نوعی که گزاره نیست اگر آن روزها و امروز، صنعتی شدن را یکی از مبانی جرم انگاری در حقوق کیفری بدانیم. این انقلاب که تاکنون فرایند آن متوقف نگردیده با استفاده از تکنولوژیهای جدید که در اختیار انسانها قرار داده است منجر به حذف برخی کیفرها و ایجاد کیفرهای جدید یا تغییر در شیوه های اجرای آن شده است.

حقوق و اقتصاد از دیر باز با هم در ارتباط و تعامل بوده اند. انقلاب صنعتی این رابطه را استحکام بخشید و حتی آن را گسترش هم داد. چرا که با انقلاب صنعتی و گسترش شیوه تولید انبوه و تغییر در ابزار و

شیوه تولید سرمایه اهمیت فراوان پیدا نمود و به حقوق به ویژه حقوق کیفری برای حمایت از این سرمایه داری نوین احتیاج بیشتر پیدا شد. هر چند از دید برخی تکامل و پیدایش حقوق کیفری خود معلول انقلاب صنعتی است اما شواهد نشان می دهد که حقوق کیفری عمدتاً به عنوان بستری برای رشد و گسترش صنعت و اقتصاد بوده است. البته اگر از حقوق کیفری بی رویه در مسائل اقتصادی استفاده گردد به ویژه در اقتصاد دولتی، این حقوق نه تنها نمی تواند بستر مناسب برای توسعه باشد بلکه می تواند مانعی مهم در فرایند توسعه هم باشد. حتی امروزه بین سطح رشد و توسعه و شدت کیفرها ارتباط قائلند و وجود کیفرهای سنتی و شدیدی مانند اعدام را نشان توسعه نیافتگی می دانند. تغییرات به وجود آمده در پی صنعتی شدن جوامع و گذار این جوامع از جامعه صنعتی به جامعه فراصنعتی به ویژه در کنار جهانی شدن لزوم وجود یک حقوق کیفری مدرن و نوپا برای رشد و توسعه اقتصادی را ایجاب می کند.

پی نوشت ها:

- ۱- به نقل از: جاوید، محمد جواد و انواری، محمدعلی؛ (۱۳۸۹) «مفهوم شناسی حق و تکلیف در عصر قدیم و جدید»؛ فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۲، ص ۷۹
- ۲- رولان، نوربر؛ (۱۳۸۵) «انسان شناسی حقوقی»؛ ترجمه: امیر نیک پی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، ص ۶۱-۵۹.
- ۳- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۸) «دورکم»؛ ترجمه: یوسف ابادری، چاپ دوم، انتشارات خوارزمی، ص ۲۲.
- ۴- عبدالفتاح، عزت؛ «جرم چیست و معیارهای جرم انگاری چیست؟» ترجمه و توضیح: اسماعیل رحیمی نژاد؛ مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵- همان، ص ۱۵۵
- ۶- لوی برول، هانری؛ (۱۳۵۲) «مسائل جامعه شناسی جزایی»؛ ترجمه: مصطفی رحیمی، مجله حقوقی وزارت دادگستری، سال بیستم، شماره ۱، ص ۲۹
- ۷- همان
- ۸- آشوری، محمد؛ (۱۳۷۶) «عدالت کیفری»؛ مجموعه مقالات؛ چاپ اول، گنج دانش، ص ۹۱ و ۱۰۶
- ۹- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۳) «جامعه شناسی»؛ ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی، ص ۱۵۳
- ۱۰- آشوری، محمد؛ پیشین، ص ۹۸
- ۱۱- همان
- ۱۲- گیدنز، آنتونی؛ «جامعه شناسی»؛ ص ۱۵۴
- ۱۳- ماتیوس، راجر و فرانسیس، پیتر؛ (۱۳۸۱) «زندانیها در هزاره سوم: دیدگاهی بین المللی بر وضعیت فعلی و آینده حبس»؛ ترجمه: لیلا اکبری، چاپ اول، تهران: انتشارات راه و تربیت، ص ۱۴۳
- ۱۴- موریس، نورال و روتمن، دیوید. ج: (۱۳۹۰) «سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه غرب»؛ ترجمه: پرتو اشراق؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات ناهید، ۱۳۹۰، ص ۱۹-۱۸
- ۱۵- فوکو، میشل؛ (۱۳۸۲) «مراقبت و تنبیه: تولد زندان»؛ ترجمه: افشین جهاننیده و نیکو سرخوش، چاپ چهارم، نشر نی، ص ۱۶-۱۱
- ۱۶- روت، میچل؛ (۱۳۸۵) «تاریخ عدالت کیفری»؛ ترجمه: ساناز السنی، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۲۴۵ و ۲۷۸
- ۱۷- همان
- ۱۸- ربیعی، ناصر و راهرو خواجه، احمد؛ (۱۳۹۰) «تاریخ زندان در عصر قاجار و پهلوی»؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۰، ص ۲۸
- ۱۹- جاوید، محمد جواد و انواری، محمدعلی؛ پیشین، ص ۷۶
- ۲۰- گلدینگ، مارتین. پی؛ (۱۳۷۸) «مفهوم حق: در آمدی تاریخی»؛ ترجمه: محمد راسخ، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۲۷۱-۲۶۱
- ۲۱- راسخ، محمد؛ (۱۳۸۶) «مدرنیته و حقوق دینی»؛ نامه حقوقی، شماره ۶۴، ج ۳، ص ۱۲

- ۲۲- کدیور، محسن؛ (۱۳۸۲) « حقوق بشر و روشنفکری دینی»؛ مجله آفتاب، شماره ۲۸، مرداد و شهریور، ص ۱۰۹
- ۲۳- همان، ص ۱۰۶
- ۲۴- اینگلهارت، رونالد؛ (۱۳۸۱) « فرهنگ و دموکراسی»؛ ترجمه: علی مرتضویان، ارغنون، شماره ۲۰، تابستان، ص ۲۰۵
- ۲۵- راسخ، محمد؛ پیشین، ص ۱۸-۲۲
- ۲۶- همان، ۱۸
- ۲۷- همان، ص ۱۹-۲۲
- ۲۸- نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ «تقریرات درس سیاست جنایی»، تهیه: فاطمه قناد؛ نیم سال دوم تحصیلی ۱۳۷۹-۷۸، ص ۱۰۳
- ۲۹- دورکیم، امیل؛ «درباره تقسیم کار اجتماعی»؛ ترجمه: باقر پرهام، چاپ اول، تهران نشر مرکز، ص ۷۷ و ۲۵۳ و ۶۹ و ۱۱۹؛ دلینی، تیم؛ (۱۳۸۹) « نظریه های کلاسیک جامعه شناسی»؛ ترجمه: بهرنگ صدیقی و حمید طلوعی، چاپ سوم، تهران: نشر نی، ص ۱۵۸ و ۱۶۳ و ۱۶۷
- ۳۰- عبدالفتاح، عزت؛ پیشین، ص ۱۵۴-۱۵۳
- ۳۱- استوارت میل، جان (۱۳۶۲)؛ «رساله در باره آزادی»؛ ترجمه: جواد شیخ الاسلامی، چاپ سوم، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۲۱
- ۳۲- رولان، نوربر؛ پیشین، ص ۷۱
- 33- Allen, Douglas W; "The Evolution of Criminal Law and Police During the Pre- Modern Era"; p10, in; [http:// www. Sfu.ca/ allen / standard. Pdf.](http://www.Sfu.ca/allen/standard.Pdf)
- ۳۴- قدوسی، حامد؛ «مقدمه ای بر حقوق و اقتصاد» در [http://chaay. Ghoddusi.com/law-economics.pdf.](http://chaay.Ghoddusi.com/law-economics.pdf)
- ۳۵- بادینی، حسین؛ پیشین، ص ۹۴
- ۳۶- همان، ص ۹۵
- ۳۷- کوتر، رابرت و یولن، تامس؛ (۱۳۸۸) «حقوق و اقتصاد»؛ ترجمه: یدالله دادگر و حامد اخوان هزاوه؛ چاپ اول، همدان: انتشارات نور علم، ص ۵۷۸
- ۳۸- به نقل از: خالقی، ابوالفتح؛ (۱۳۸۶) « کار به جای زندان»؛ فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، ص ۱۱۹
- ۳۹- همان، ص ۱۲۰
- ۴۰- کوتر، رابرت و یولن، تامس؛ پیشین، ص ۶۵۲
- ۴۱- رستمی فر، علی؛ (۱۳۸۷) « بررسی نقش تحولات اقتصادی قرن بیستم بر مسؤلیت کیفری»؛ ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، شماره ۹۰، ص ۵۴-۵۵
- 42-Mokyer, joel; "Institution and Begining of Economic Growth in Eighteen Century Britain"; p 3, at: [http:// growthbook4.ec.unipi.it/chapter1-mokyer.pdf.](http:// growthbook4.ec.unipi.it/chapter1-mokyer.pdf)

- ۴۳- فوکویاما، فرانسیس؛ (۱۳۹۰) « بنیادهای حکومت قانون »؛ ترجمه: آرش عزیزی؛ ماهنامه مهرنامه (ضمیمه ۵)، سال دوم، ص ۳۷
- 44- World Bank(2002); "World Bank Annual Repot"; Washington DC2002, همان ۴۵
- ۴۶- همان، ص ۳۹
- 47- John Kenneth Galibraith
- ۴۸- شیخی، محمد تقی؛ (۱۳۸۵) «جامعه شناسی توسعه» چاپ اول، تهران: انتشارات حریر، ص ۲۱۲
- ۴۹- نویمان، فرانتس؛ (۱۳۷۳) « آزادی و قدرت و قانون »؛ ترجمه: عزت الله فولادوند؛ چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات خوارزمی، ص ۱۴۹
- ۵۰- عبدالفتاح، عزت؛ پیشین، ص ۱۵۰
- ۵۱- اشتن، تی. اس؛ (۱۳۷۵) « انقلاب صنعتی »؛ ترجمه: احمد تدین؛ چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۲۹
- ۵۲- همان، ص ۱۳۰
- ۵۳- روت میچل؛ پیشین
- ۵۴- رولان، نوربر؛ پیشین، ص ۴۰
- ۵۵- همان
- ۵۶- سراج زاده؛ حسین و نوربخش، افروز؛ (۱۳۸۷) « بررسی رابطه توسعه اقتصادی و اجتماعی با جرم زنان در ایران »؛ فصلنامه مطالعات زنان ، سال ششم، شماره سوم، ص ۳۳-۳۴
- ۵۷- همان، ص ۴۳-۴۴
- ۵۸- یان، مارش و دیگران؛ (۱۳۸۹) « نظریه های جرم »؛ ترجمه: حمید رضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران: نشر میزان ص ۲۶۱-۲۶۲
- ۵۹- همان، ص ۴۸
- 60-.Miethe, Terance D;(2005)" Cross – National Varibility in Capital Punishment: Exploring the Sociopolitical Sources of Its Differential Legal Status"; International Criminal Justice Review, Volume 15, Number 2, p ۱۱۵
- 61- Ibid, p 117-116
- 62- Ibid, p 127-126
- 63- Allen, Douglas W; Op.cit, p 2-12
- ۶۴- نجفی ابرنابادی، علی حسین؛ پیشین، ص ۴۷۳-۴۷۴
- ۶۵- مظلومان، رضا؛ (۱۳۵۴) « دلیل تغییر کیفرها »؛ مهنامه قضایی، سال دهم، شماره ۱۰۹، فروردین، ص ۴۱
- 66- Pete, Stephen; Falling on Stony Ground: Importing the Penal Practices of Europe into the Prisons of Colonial Natal, p 109
- ۶۷- نویمار، آنتوان؛ (۱۳۸۵) « دیکتاتورها بیمارند »؛ ترجمه: علیرضا میناگر، چاپ اول، تهران: انتشارات ارجمند، ص ۴۳۸
- ۶۸- روت، میچل؛ پیشین، ص ۱۲۲

۶۹- همان، ص ۴۵

70- Garland, David; « Punishment and Modern Society»: a Study in Social Theory; the University of Chicago Press, 1990,p 94

71- Ibid, p98

72- Ibid

73- Ibid,p99

74- Ibid

75- Ibid, p100-101

۷۶- روت، میچل؛ پیشین، ص ۱۸۵

۷۷- همان، ص ۲۲۸ و نیز: Allen ,Douglas .w; op.cit, p 18-15

78- Riener, Robert(2007) ; Political Economy, Crime and Criminal Justice, in: Rod Morgan , Mike Maguire, Robert Reiner; the Oxford Handbook of Criminology, Fourth Edition , Oxford University Press ,p 358-360

۷۹- موریسون، وین (۱۳۸۱): در: ماتیوس، راجر و فرانسیس، پیتر؛ « زندانها در هزاره سوم: دیدگاهی بین المللی بر وضعیت فعلی و آینده حبس»؛ ترجمه: لیلا اکبری، چاپ اول، تهران: انتشارات راه و تربیت، ص ۱۵۹.

80- Garland, David; Op. cit

۸۱- موریس، نورال و رومن، دیوید. ج؛ پیشین، ص ۱۵۵

۸۲- نجفی ابرنابادی، علی حسین؛ پیشین، ص ۵۲۲

۸۳- همان، ص ۵۲۳-۵۲۲

84- Allen, Douglas W; Op.cit.,p9-10

85- Op.cit .p10-11

86- Ibid

۸۷- روت، میچل؛ پیشین، جلد دوم، ص ۴۶-۴۵